معرفت اقتصاد اسلامی ـــــــ

مقدمه

روایات، ثواب‌های بسیاری برای قرض‌الحسنه بیان کرده و کسی که برادر مسلمانش از وضع خود نزد او شکایت برد و به او قرض ندهد، از بهشت محروم دانسته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج۱، ص ۶۵۲). پاداش قرض‌الحسنه، بیشتر از صدقه است (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج۱۶، ص ۳۱۲). قرض‌الحسنه، دربرگیرنده حساب‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و موسسه‌های قرض‌الحسنه، اوراق بهادار قرض‌الحسنه و قرض‌الحسنه‌های غیررسمی است. قرض‌الحسنه با برکت؛ یعنی رشد، همراه است و هر میزان نیازهای مصرفی یا تولیدی مهم‌تری را برآورده سازد، برکت بیشتری دارد. افزایش قرض‌الحسنه، موجب گسترش و سالم سازی بازارهای مالی، افزایش رقابت سالم، افزایش کارایی و کاهش قیمت خدمات این بازارها است. این سپرده، اگر برای تأمین ابزار کار و توسعه کارگاه‌ها و کارخانجات باشد، افراد نیازمند را به افراد بی‌نیاز تبدیل می‌کند که خود عرضه‌کننده این نوع سپرده خواهند شد (عزتی، ۱۳۹۳). افزایش بهره‌وری در قرض‌الحسنه، بهره‌وری بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد (کمیجانی و پورر ستمی، ۱۳۸۷). افزایش دسترسی مردم به این نوع وام، در صورت نیاز، پس‌اندازهای احتیاطی را کاهش می‌دهد. این امر می‌تواند در جهت مصرف و سرمایه‌گذاری به کار رود و موجب انتقال منحنی تقاضا و در نتیجه، رونق اقتصادی شود. این رونق، غیرتورمی است؛ زیرا این نوع قرض با کمترین هزینه همراه است (عزتی، ۱۳۹۳).

اعطای قرض‌الحسنه به نیازهای اساسی، موجب تخصیص منابع به کالاهای ضروری و افزایش مصرف این کالاها می‌شود که با توجه به پدیده مطلوبیت نهایی نزولی، خود موجب افزایش رفاه جامعه می‌شود. این نوع قرض‌الحسنه، موجب کاهش فاصله طبقاتی و بهبود معیشت دهک‌های پایین می‌گردد و از آنجا که دلیل اصلی برخی جرائم، رفع نیازهای ضروری است، موجب کاهش جرائم و دیگر معضلات اجتماعی می‌شود. اعطای قرض‌الحسنه، به تولیدات مولد نیز موجب افزایش تولید ملی و اشتغال است (توحیدی‌نیا و فولادگر، ۱۳۹۶). نیازها درجات بسیار دارند و ثواب بیشتر، ناشی از رفع نیاز بالاتر است. سپرده‌های قرض‌الحسنه، دو نوع‌اند: پس‌انداز و جاری که سهم پس‌انداز رو به کاهش است. طبق آمار بانک مرکزی، سهم قرض‌الحسنه از کل سپرده‌ها حدود ۱۵٪ بود که می‌توانست در برآوردن نیازهای مصرفی و تولیدی نقش مهمی ایفا کند، اما تخصیص این منابع در گذشته، مشمول اولویت‌بندی نبوده و نسبتی از آن، به جای نیازهای مصرفی و تولیدی، به کارکنان بانک‌ها یا تسهیلات سودآور اختصاص یافته، یا صرف بنگاه‌داری بانک‌ها گردیده است. تخصیص غیربهینه، همراه با کاهش قدرت خرید این سپرده‌ها، ناشی از تورم شدید، موجب کاهش نسبت مذکور به زیر ۵٪ شده است.

شکل ۱: سهم سپرده‌ای قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری از کل



(منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

هدف سپرده‌گذاران، اعطای قرض‌الحسنه به بانک نیست، بلکه بانک را یک واسطه می‌دانند که سپرده‌هایشان را صرف قرض‌الحسنه، به نیازهای اساسی کند و اگر آنان بدانند بانک، به گونه غیربهینه یا بر اساس رانت عمل می‌کند، در حساب قرض‌الحسنه سپرده‌گذاری نخواهند کرد. از سوی دیگر تورم، بخشی از قدرت خرید سپرده‌های قرض‌الحسنه را کاهش داده، به بانک و سپرده‌گیران منتقل می‌سازد. منشا انحراف در منابع قرض‌الحسنه، اولاً ابهام قانونی در باره مالکیت آن بود که موجب می‌گردید، بانک‌ها خود را مالک آن بدانند. ثانیاً، خلأ در قانون بانکداری تصریح نداشت؛ و بخشی از این سپرده‌ها، به قرض‌الحسنه اختصاص یافت. نیّت سپرده‌گذاران سپرده‌های قرض‌الحسنه، این است که تمام آن منابع به واسطه بانک به قرض‌الحسنه اختصاص یابد. آنان به بانک اعتماد می‌کنند و بانک نمی‌تواند خیانت در امانت کند. مخالفت با نیّت قرض‌دهندگان، از نظر حقوقی منجر به عدم انعقاد عقدهای مترتب بر آن و بطلان آنها شود. کلمه «حسنه» دلالت دارد که این سپرده‌ها، می‌باید بالاترین نیازها یا نیازهای دارای بالاترین اولویت‌ها را برآورده سازد. این امر، ثواب و برکت قرض را حداکثر می‌سازد. استفاده ناکارا از قرض‌الحسنه، مخالف هدف قرض‌الحسنه و نیّت قرض‌دهندگان است و از ثواب و برکت آنان می‌کاهد. برای جلوگیری از سوء استفاده‌های بانک، می‌باید اولاً، سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری، تحت عقد وکالت درآیند تا بانک‌ها خود را مالک آنها ندانند و آنان ملزم به تخصیص آنها را براساس اولویت‌های اقتصادی شوند. همچنین اولویت‌های اقتصادی هر ساله، باید توسط بانک مرکزی معین گردد.

میانگین تورم ۲۰در صدی، قرض‌الحسنه را با نرخ بهره واقعی ۲۰٪- همراه ساخته است؛ بدان معنا که هر ساله ۲۰٪ از قدرت خرید سپرده‌های قرض‌الحسنه کاسته و به بانک و دریافت‌کنندگان قرض‌الحسنه منتقل می شود. در نتیجه، طی دهه‌های گذشته، هزاران میلیارد تومان از ثروت سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه به بانک و دریافت‌کنندگان تسهیلات قرض‌الحسنه انتقال یافته است. ربا یا بهره مثبت، پول مازاد مشروطی است که قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده می‌پردازد و بهره منفی، پول مازادی است که قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده می‌پردازد. بهره منفی؛ یعنی کاهش قدرت خرید سپرده‌های پس‌انداز، اگر اندک باشد، قابل تسامح است. اما وقتی شکل گزاف به خود می‌گیرد، صحت آن مورد تردید واقع می‌گردد.

سؤال اصلی مقاله این است که انحراف اصلی در سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز چیست؟ فرضیه اصلی این است که انحراف اصلی، کاهش بسیار شدید قدرت خرید سپرده‌ها و تخصیص غیربهینه آنها است. این مقاله، انحراف سپرده قرض‌الحسنه از اهداف اصلی و نیّت سپرده‌گذاران، منشأ انحراف در منابع قرض‌الحسنه، کاهش قدرت خرید سپرده، شکل‌گیری ربای معکوس، در نظام بانکی و لزوم جبران از منظر عرف و شرع را بر اساس مبانی فقهی و حقوقی تبیین می‌کند و تلویحاً هشدار می‌دهد که انحراف در یکی از مهم‌ترین ارکان اخلاق و اقتصاد اسلامی، بیانگر انحراف در ساختار اخلاقی و اقتصادی جامعه است.

پیشینه پژوهش

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، در گزارش آسیب شناسی نظام بانکی، به آسیب شناسی ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی پرداخته است.

حبیبیان نقیبی (۱۳۸۱)، رابطهٔ قرض‌الحسنه با رشد و توزیع مجدد را بررسی کرده، نشان می‌دهد بین آنها هماهنگی وجود دارد.

موسویان (۱۳۸۰)، با اشاره به وارد شدن برخی از صندوق‌های قرض‌الحسنه در معاملات غیرقرض‌الحسنه‌ای، نظارت بهتر بانک مرکزی بر محافظت، رشد و توسعه این صندوق‌ها را پیشنهاد می‌کند.

عرب‌مازار و کیقبادی (۱۳۸۵) به عملکرد بیست‌ساله قرض‌الحسنه پرداخته، علت کاهش نسبت پس‌انداز به کل سپرده‌ها را تورم و تمایل مردم به کسب سود از سپرده‌های مدت‌دار دانسته، می‌گویند: نظام بانکی تنها ۶۰٪ سپرده‌های قرض‌الحسنه را صرف پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه کرده است.

اثناعشری و همکاران (۱۳۸۷)، به ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری، با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها می‌پردازند و کارایی برخی بانک‌های معین را تعیین می‌کنند.

اثناعشری و بابایی (۱۳۸۸)، تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه را برآورد کرده، نشان می‌دهند تغییر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها طی ۱۳۴۰– ۱۳۸۶، نسبت به انتظارات تورمی برون‌زا بوده و افزایش یک درصدی انتظارات تورمی، منجر به کاهش ۱/۴ درصدی حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها می‌شود.

حشمتی (۱۳۸۸)، تأثیر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه را بر توسعه مالی بررسی و نشان می‌دهد این تاثیر در استان‌های دارای نظام نظارتیِ بهتر، بیشتر است.

محقق‌نیا (۱۳۹۸)، نشان می‌دهد که در نظام بانکی ایران، تنها اندکی بیش از نیمی از منابع قرض‌الحسنه، به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص یافته است.

توحیدی‌نیا (۱۳۹۱)، در باره جذب سپرده قرض‌الحسنه، به کمک ابزار مالی اسلامی بحث می‌کند و می‌گوید: به نسبت افراد واجد شرایطِ دریافت قرض‌الحسنه، منابع کافی وجود ندارد و این مشکل، ناشی از سازوکار بانک‌های قرض‌الحسنه، در اخذ سپرده و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه است. می‌توان این مشکل را از طریق تغییر آن سازوکار و نیز انتشار صکوک برطرف کرد.

عزتی (۱۳۹۳)، اثر بازارهای مالی بر بازار قرض‌الحسنه را ارزیابی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که بازارهای مالی موجب تسهیل و گسترش بازار قرض‌الحسنه هستند.

مقدم و همکاران (۱۳۹۶)، الگوی بازار قرض‌الحسنه را بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن ارائه می‌کنند.

عزتی و عاقلی (۱۳۸۷) و مهاجری (۱۳۹۰)، اثر سرمایه دینی بر توسعه اقتصادی را تبیین کرده‌اند.

ابراهیمی (۱۳۷۱) و منان (۱۹۷۰)، ماهیت قرض‌الحسنه، و سهیلی و همکاران (۱۳۸۸)، صدر (۱۳۸۴)، طیبی (۱۳۸۳)، حسن‌زاده و کاظمی (۱۳۸۳) و اسلامی (۱۳۷۵)، عمل‌کرد نهادهای پرداخت‌کننده قرض‌الحسنه را بررسی کرده‌اند.

بیدار (۱۳۹۱)، مشروعیت کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن را بررسی می‌کند.

انحراف نظام قرض‌الحسنه از اهداف سپرده‌گذاران

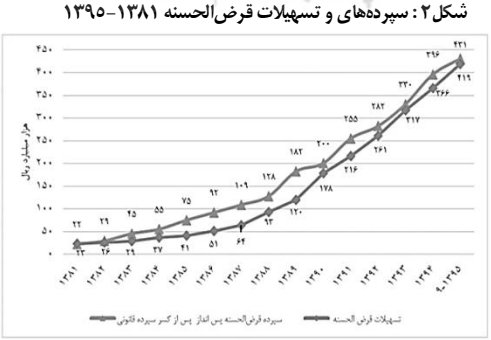
امروزه بانک‌ها در جهان، با ساماندهی و تسهیل مبادلات تجاری و بازرگانی، موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی شده‌اند و با تجهیز منابع و سوق‌دادن آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، سرمایه‌های

اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل می‌کنند. از سوی دیگر، با افزایش بهره‌وری و به‌کارگیری بخش‌های غیرفعال، اقتصاد را به سمت اشتغال کامل هدایت می‌کنند (فراهانی و همکاران، ص ۱۳۹۴). نظام بانکی ایران نیز باید برای افزایش قدرت رقابت اقتصادی، منابع را به مولدترین بخش‌ها و ضروری‌ترین نیازها سوق دهد و از نهادهای بانکی، به ویژه نهاد قرض‌الحسنه، انتظار می‌رود از بالاترین کارایی برخوردار باشد. اما این امر اتفاق نیفتاده است. در قانون بانکداری، بانک‌ها موظفند منابع قرض‌الحسنه را برای تأمین وسایل کار، افزایش تولید ملی و رفع احتیاجات ضروری اختصاص دهند. اما قانون، اولویت‌ها را مشخص نکرد و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه، به صورت سلیقه‌ای و رانتی انجام گرفت. شکاف شدید عرضه و تقاضای قرض‌الحسنه، به این امر دامن زد. تورم، که از عرضه قرض کاسته بر تقاضای آن می‌افزاید، شرایط رکودی، افزایش روحیه مصرف‌گرایی، کاهش انگیزه‌های معنوی، افزایش انگیزه‌های مادی و افزایش نابرابری، بر این شکاف می‌افزاید (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). نابرابریِ عرضه و تقاضا، موجب رانت است و در این هنگام، باید میان تقاضای موثر و مولد و تقاضای رانتی یا غیرموثّر تفکیک کرد.

طبق گزارش بانک مرکزی، به مرکز پژوهش‌های مجلس، به‌شماره ۹۳/۲۳۵۱۷۴، یکی از مهم‌ترین اقلام جدول تخصیص منابع قرض‌الحسنه، سرفصل سایر است که در برخی سال‌ها، بیش از ۵۰٪ تسهیلات را شامل شده و بر اساس رانت اختصاص یافته است (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۶، ص ۱۶). یکی از موارد رانت، اعطای قرض‌الحسنه به کارکنان بانک‌ها بوده است که سقف آن، حداقل ۶ برابر سقف سایر وام‌های قرض‌الحسنه و مدت بازپرداخت آن، ۱۸۰ تا ۲۰۰ ماه (در حالی که برای دیگران حداکثر ۳۶ ماه است) و کارمزد آن ۱٪ بود (در حالی که برای دیگران ۴٪ است)، علاوه بر این که نیاز به وثیقه نداشت. در گذشته، در برخی سال‌ها حدود نیمی از تسهیلات قرض‌الحسنهِ برخی بانک‌ها، به کارکنان آنها اختصاص یافته و این نسبت در برخی صندوق‌ها، به ۶۹٪ رسیده است (ر.ک: علوی‌منش، ۱۳۹۱). این چالش، آن قدر شدید شد که بانک مرکزی در سال ۹۵، طی بخشنامه‌ای به همه بانک‌ها و موسسات اعتباری، پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به کارمندان آنها از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه سپرده‌گذاران را ممنوع اعلام کرد. اعلام ممنوعیت صریح، دلالت دارد که تفسیر بانک مرکزی از قوانین، در رابطه با آزادی‌عمل بانک‌ها در تصرف در سپرده‌های قرض‌الحسنه، مخالف با تفسیر بانک‌ها بوده است.

نمودار زیر حجم سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه، از ۱۳۸۱ تا آذر ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد که بر طبق آن، درصد قابل توجهی از سپرده‌های قرض‌الحسنه، صرف پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه نشده است.

شکل ۲: سپرده‌های و تسهیلات قرض‌الحسنه ۱۳۸۱-۱۳۹۵

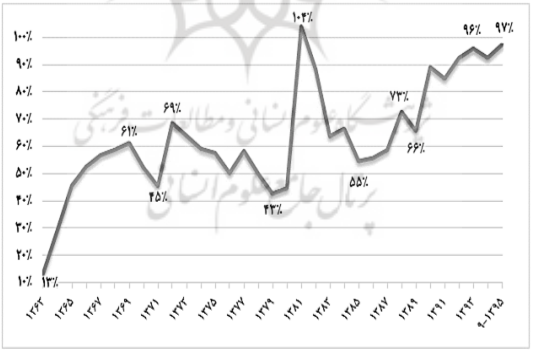


(مأخذ: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی تا ۱۳۸۹؛ گزیده آمارهای اقتصادی بخش پولی و بانکی بانک مرکزی بعد از ۱۳۸۹)

با استفاده از آمار بانک مرکزی، می‌توان گفت: بانک‌ها، بخشی زیادی از این پول را به اهداف غیرقرض‌الحسنه تخصیص داده‌اند. اما این گونه تخصیص‌ها از نظر حقوقی چه حکمی دارد؟ کسی که سپرده قرض‌الحسنه در بانک می‌گذارد، هدف او برآوردن نیازهای نیازمندان است و قصد ندارد به بانک قرض دهد تا صرف منافع خود کند. بر طبق قاعده العقود تابعه للقصود، آنچه بر خلاف نیّت سپرده‌گذاران شکل گرفته، از نظر حقوقی انعقاد نمی‌یابد و هر عقدی که بر مبنای آن منعقد شود، باطل است. ماهیت عقد، یک امر قصدی است و بدون آن، قابل تحقق نیست. قصد، جزء ماهیت عقد است و قوام عقد وابسته به آن است. مقصود از قاعده «العقود تابعةٌ للقصود»، این است که چون عقدها، اعم مالی و غیرمالی، معاوضی و غیرمعاوضی، در حقیقت، ربط و پیوند تعهدات و اعتباراتی است که بین موجب و قابل برقرار شده و این معنی، امری نفسانی و قصدی است. مادامی که طرفین، قصدِ عنوان عقد را ندارند، عقد مورد نظر محقق نخواهد شد. تحقق اعتبارات متعاقدین، اثباتاً و نفیاً، منوط به قصد و اراده طرفین می‌باشد. برای تحقق یک عمل حقوقی دو طرفه، اراده انشایی یکی از دو طرف کافی نیست، بلکه لازم است اراده هر دو طرف در ایجاد عقد، هماهنگی داشته باشد. این هماهنگی زمانی میسر است که آنچه یک طرف، انشاءِ آن را قصد می‌کند، طرف دیگر نیز همان را قصد کند (مرادخانی و شمس، ۱۳۹۱). بنابراین، اگر بانک با سپرده‌های قرض‌الحسنه، زمین یا دارایی دیگری خریداری کرده است، این عقد بدون نیّت و رضایت سپرده‌گذاران بوده و باطل یا فضولی است.

نمودار نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه، به سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، میزان انحراف قرض‌الحسنه از اهداف سپرده‌گذاران را نشان می‌دهد. در برخی سال‌ها، کمتر از نیمی از مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه، که با نیّت قرض‌الحسنه به نیازمندان سپرده‌گذاری شده بود، صرف پرداخت قرض‌الحسنه شده است.

شکل ۳: نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنهٔ پس‌انداز


۱۰۰٪
۹۰٪
۸۰٪
۷۰٪
۶۰٪
۵۰٪
۴۰٪
۳۰٪
۲۰٪
۱۰٪
۱۳٪
۶۱٪
۴۵٪
۶۹٪
۴۲٪
۱۰۴٪
۵۵٪
۷۳٪
۶۶٪
۹۶٪
۹۷٪
۱۳۹۴
۱۳۹۵
۱۳۹۶
۱۳۹۷
۱۳۹۸
۱۳۹۹
۱۴۰۰
۱۴۰۱
۱۴۰۲
۱۴۰۳
۱۴۰۴
۱۴۰۵
۱۴۰۶
۱۴۰۷
۱۴۰۸
۱۴۰۹
۱۴۱۰
۱۴۱۱
۱۴۱۲
۱۴۱۳
۱۴۱۴
۱۴۱۵
۱۴۱۶
۱۴۱۷
۱۴۱۸
۱۴۱۹
۱۴۲۰
۱۴۲۱
۱۴۲۲
۱۴۲۳
۱۴۲۴
۱۴۲۵
۱۴۲۶
۱۴۲۷
۱۴۲۸
۱۴۲۹
۱۴۳۰
۱۴۳۱
۱۴۳۲
۱۴۳۳
۱۴۳۴
۱۴۳۵
۱۴۳۶
۱۴۳۷
۱۴۳۸
۱۴۳۹
۱۴۴۰
۱۴۴۱
۱۴۴۲
۱۴۴۳
۱۴۴۴
۱۴۴۵
۱۴۴۶
۱۴۴۷
۱۴۴۸
۱۴۴۹
۱۴۵۰
۱۴۵۱
۱۴۵۲
۱۴۵۳
۱۴۵۴
۱۴۵۵
۱۴۵۶
۱۴۵۷
۱۴۵۸
۱۴۵۹
۱۴۶۰
۱۴۶۱
۱۴۶۲
۱۴۶۳
۱۴۶۴
۱۴۶۵
۱۴۶۶
۱۴۶۷
۱۴۶۸
۱۴۶۹
۱۴۷۰
۱۴۷۱
۱۴۷۲
۱۴۷۳
۱۴۷۴
۱۴۷۵
۱۴۷۶
۱۴۷۷
۱۴۷۸
۱۴۷۹
۱۴۸۰
۱۴۸۱
۱۴۸۲
۱۴۸۳
۱۴۸۴
۱۴۸۵
۱۴۸۶
۱۴۸۷
۱۴۸۸
۱۴۸۹
۱۴۹۰
۱۴۹۱
۱۴۹۲
۱۴۹۳
۱۴۹۴
۱۴۹۵
۱۴۹۶
۱۴۹۷
۱۴۹۸
۱۴۹۹
۱۵۰۰
۱۵۰۱
۱۵۰۲
۱۵۰۳
۱۵۰۴
۱۵۰۵
۱۵۰۶
۱۵۰۷
۱۵۰۸
۱۵۰۹
۱۵۱۰
۱۵۱۱
۱۵۱۲
۱۵۱۳
۱۵۱۴
۱۵۱۵
۱۵۱۶
۱۵۱۷
۱۵۱۸
۱۵۱۹
۱۵۲۰
۱۵۲۱
۱۵۲۲
۱۵۲۳
۱۵۲۴
۱۵۲۵
۱۵۲۶
۱۵۲۷
۱۵۲۸
۱۵۲۹
۱۵۳۰
۱۵۳۱
۱۵۳۲
۱۵۳۳
۱۵۳۴
۱۵۳۵
۱۵۳۶
۱۵۳۷
۱۵۳۸
۱۵۳۹
۱۵۴۰
۱۵۴۱
۱۵۴۲
۱۵۴۳
۱۵۴۴
۱۵۴۵
۱۵۴۶
۱۵۴۷
۱۵۴۸
۱۵۴۹
۱۵۵۰
۱۵۵۱
۱۵۵۲
۱۵۵۳
۱۵۵۴
۱۵۵۵
۱۵۵۶
۱۵۵۷
۱۵۵۸
۱۵۵۹
۱۵۶۰
۱۵۶۱
۱۵۶۲
۱۵۶۳
۱۵۶۴
۱۵۶۵
۱۵۶۶
۱۵۶۷
۱۵۶۸
۱۵۶۹
۱۵۷۰
۱۵۷۱
۱۵۷۲
۱۵۷۳
۱۵۷۴
۱۵۷۵
۱۵۷۶
۱۵۷۷
۱۵۷۸
۱۵۷۹
۱۵۸۰
۱۵۸۱
۱۵۸۲
۱۵۸۳
۱۵۸۴
۱۵۸۵
۱۵۸۶
۱۵۸۷
۱۵۸۸
۱۵۸۹
۱۵۹۰
۱۵۹۱
۱۵۹۲
۱۵۹۳
۱۵۹۴
۱۵۹۵
۱۵۹۶
۱۵۹۷
۱۵۹۸
۱۵۹۹
۱۶۰۰
۱۶۰۱
۱۶۰۲
۱۶۰۳
۱۶۰۴
۱۶۰۵
۱۶۰۶
۱۶۰۷
۱۶۰۸
۱۶۰۹
۱۶۱۰
۱۶۱۱
۱۶۱۲
۱۶۱۳
۱۶۱۴
۱۶۱۵
۱۶۱۶
۱۶۱۷
۱۶۱۸
۱۶۱۹
۱۶۲۰
۱۶۲۱
۱۶۲۲
۱۶۲۳
۱۶۲۴
۱۶۲۵
۱۶۲۶
۱۶۲۷
۱۶۲۸
۱۶۲۹
۱۶۳۰
۱۶۳۱
۱۶۳۲
۱۶۳۳
۱۶۳۴
۱۶۳۵
۱۶۳۶
۱۶۳۷
۱۶۳۸
۱۶۳۹
۱۶۴۰
۱۶۴۱
۱۶۴۲
۱۶۴۳
۱۶۴۴
۱۶۴۵
۱۶۴۶
۱۶۴۷
۱۶۴۸
۱۶۴۹
۱۶۵۰
۱۶۵۱
۱۶۵۲
۱۶۵۳
۱۶۵۴
۱۶۵۵
۱۶۵۶
۱۶۵۷
۱۶۵۸
۱۶۵۹
۱۶۶۰
۱۶۶۱
۱۶۶۲
۱۶۶۳
۱۶۶۴
۱۶۶۵
۱۶۶۶
۱۶۶۷
۱۶۶۸
۱۶۶۹
۱۶۷۰
۱۶۷۱
۱۶۷۲
۱۶۷۳
۱۶۷۴
۱۶۷۵
۱۶۷۶
۱۶۷۷
۱۶۷۸
۱۶۷۹
۱۶۸۰
۱۶۸۱
۱۶۸۲
۱۶۸۳
۱۶۸۴
۱۶۸۵
۱۶۸۶
۱۶۸۷
۱۶۸۸
۱۶۸۹
۱۶۹۰
۱۶۹۱
۱۶۹۲
۱۶۹۳
۱۶۹۴
۱۶۹۵
۱۶۹۶
۱۶۹۷
۱۶۹۸
۱۶۹۹
۱۷۰۰
۱۷۰۱
۱۷۰۲
۱۷۰۳
۱۷۰۴
۱۷۰۵
۱۷۰۶
۱۷۰۷
۱۷۰۸
۱۷۰۹
۱۷۱۰
۱۷۱۱
۱۷۱۲
۱۷۱۳
۱۷۱۴
۱۷۱۵
۱۷۱۶
۱۷۱۷
۱۷۱۸
۱۷۱۹
۱۷۲۰
۱۷۲۱
۱۷۲۲
۱۷۲۳
۱۷۲۴
۱۷۲۵
۱۷۲۶
۱۷۲۷
۱۷۲۸
۱۷۲۹
۱۷۳۰
۱۷۳۱
۱۷۳۲
۱۷۳۳
۱۷۳۴
۱۷۳۵
۱۷۳۶
۱۷۳۷
۱۷۳۸
۱۷۳۹
۱۷۴۰
۱۷۴۱
۱۷۴۲
۱۷۴۳
۱۷۴۴
۱۷۴۵
۱۷۴۶
۱۷۴۷
۱۷۴۸
۱۷۴۹
۱۷۵۰
۱۷۵۱
۱۷۵۲
۱۷۵۳
۱۷۵۴
۱۷۵۵
۱۷۵۶
۱۷۵۷
۱۷۵۸
۱۷۵۹
۱۷۶۰
۱۷۶۱
۱۷۶۲
۱۷۶۳
۱۷۶۴
۱۷۶۵
۱۷۶۶
۱۷۶۷
۱۷۶۸
۱۷۶۹
۱۷۷۰
۱۷۷۱
۱۷۷۲
۱۷۷۳
۱۷۷۴
۱۷۷۵
۱۷۷۶
۱۷۷۷
۱۷۷۸
۱۷۷۹
۱۷۸۰
۱۷۸۱
۱۷۸۲
۱۷۸۳
۱۷۸۴
۱۷۸۵
۱۷۸۶
۱۷۸۷
۱۷۸۸
۱۷۸۹
۱۷۹۰
۱۷۹۱
۱۷۹۲
۱۷۹۳
۱۷۹۴
۱۷۹۵
۱۷۹۶
۱۷۹۷
۱۷۹۸
۱۷۹۹
۱۸۰۰
۱۸۰۱
۱۸۰۲
۱۸۰۳
۱۸۰۴
۱۸۰۵
۱۸۰۶
۱۸۰۷
۱۸۰۸
۱۸۰۹
۱۸۱۰
۱۸۱۱
۱۸۱۲
۱۸۱۳
۱۸۱۴
۱۸۱۵
۱۸۱۶
۱۸۱۷
۱۸۱۸
۱۸۱۹
۱۸۲۰
۱۸۲۱
۱۸۲۲
۱۸۲۳
۱۸۲۴
۱۸۲۵
۱۸۲۶
۱۸۲۷
۱۸۲۸
۱۸۲۹
۱۸۳۰
۱۸۳۱
۱۸۳۲
۱۸۳۳
۱۸۳۴
۱۸۳۵
۱۸۳۶
۱۸۳۷
۱۸۳۸
۱۸۳۹
۱۸۴۰
۱۸۴۱
۱۸۴۲
۱۸۴۳
۱۸۴۴
۱۸۴۵
۱۸۴۶
۱۸۴۷
۱۸۴۸
۱۸۴۹
۱۸۵۰
۱۸۵۱
۱۸۵۲
۱۸۵۳
۱۸۵۴
۱۸۵۵
۱۸۵۶
۱۸۵۷
۱۸۵۸
۱۸۵۹
۱۸۶۰
۱۸۶۱
۱۸۶۲
۱۸۶۳
۱۸۶۴
۱۸۶۵
۱۸۶۶
۱۸۶۷
۱۸۶۸
۱۸۶۹
۱۸۷۰
۱۸۷۱
۱۸۷۲
۱۸۷۳
۱۸۷۴
۱۸۷۵
۱۸۷۶
۱۸۷۷
۱۸۷۸
۱۸۷۹
۱۸۸۰
۱۸۸۱
۱۸۸۲
۱۸۸۳
۱۸۸۴
۱۸۸۵
۱۸۸۶
۱۸۸۷
۱۸۸۸
۱۸۸۹
۱۸۹۰
۱۸۹۱
۱۸۹۲
۱۸۹۳
۱۸۹۴
۱۸۹۵
۱۸۹۶
۱۸۹۷
۱۸۹۸
۱۸۹۹
۱۹۰۰
۱۹۰۱
۱۹۰۲
۱۹۰۳
۱۹۰۴
۱۹۰۵
۱۹۰۶
۱۹۰۷
۱۹۰۸
۱۹۰۹
۱۹۱۰
۱۹۱۱
۱۹۱۲
۱۹۱۳
۱۹۱۴
۱۹۱۵
۱۹۱۶
۱۹۱۷
۱۹۱۸
۱۹۱۹
۱۹۲۰
۱۹۲۱
۱۹۲۲
۱۹۲۳
۱۹۲۴
۱۹۲۵
۱۹۲۶
۱۹۲۷
۱۹۲۸
۱۹۲۹
۱۹۳۰
۱۹۳۱
۱۹۳۲
۱۹۳۳
۱۹۳۴
۱۹۳۵
۱۹۳۶
۱۹۳۷
۱۹۳۸
۱۹۳۹
۱۹۴۰
۱۹۴۱
۱۹۴۲
۱۹۴۳
۱۹۴۴
۱۹۴۵
۱۹۴۶
۱۹۴۷
۱۹۴۸
۱۹۴۹
۱۹۵۰
۱۹۵۱
۱۹۵۲
۱۹۵۳
۱۹۵۴
۱۹۵۵
۱۹۵۶
۱۹۵۷
۱۹۵۸
۱۹۵۹
۱۹۶۰
۱۹۶۱
۱۹۶۲
۱۹۶۳
۱۹۶۴
۱۹۶۵
۱۹۶۶
۱۹۶۷
۱۹۶۸
۱۹۶۹
۱۹۷۰
۱۹۷۱
۱۹۷۲
۱۹۷۳
۱۹۷۴
۱۹۷۵
۱۹۷۶
۱۹۷۷
۱۹۷۸
۱۹۷۹
۱۹۸۰
۱۹۸۱
۱۹۸۲
۱۹۸۳
۱۹۸۴
۱۹۸۵
۱۹۸۶
۱۹۸۷
۱۹۸۸
۱۹۸۹
۱۹۹۰
۱۹۹۱
۱۹۹۲
۱۹۹۳
۱۹۹۴
۱۹۹۵
۱۹۹۶
۱۹۹۷
۱۹۹۸
۱۹۹۹
۲۰۰۰
۲۰۰۱
۲۰۰۲
۲۰۰۳
۲۰۰۴
۲۰۰۵
۲۰۰۶
۲۰۰۷
۲۰۰۸
۲۰۰۹
۲۰۱۰
۲۰۱۱
۲۰۱۲
۲۰۱۳
۲۰۱۴
۲۰۱۵
۲۰۱۶
۲۰۱۷
۲۰۱۸
۲۰۱۹
۲۰۲۰
۲۰۲۱
۲۰۲۲
۲۰۲۳
۲۰۲۴
۲۰۲۵
۲۰۲۶
۲۰۲۷
۲۰۲۸
۲۰۲۹
۲۰۳۰
۲۰۳۱
۲۰۳۲
۲۰۳۳
۲۰۳۴
۲۰۳۵
۲۰۳۶
۲۰۳۷
۲۰۳۸
۲۰۳۹
۲۰۴۰
۲۰۴۱
۲۰۴۲
۲۰۴۳
۲۰۴۴
۲۰۴۵
۲۰۴۶
۲۰۴۷
۲۰۴۸
۲۰۴۹
۲۰۵۰
۲۰۵۱
۲۰۵۲
۲۰۵۳
۲۰۵۴
۲۰۵۵
۲۰۵۶
۲۰۵۷
۲۰۵۸
۲۰۵۹
۲۰۶۰
۲۰۶۱
۲۰۶۲
۲۰۶۳
۲۰۶۴
۲۰۶۵
۲۰۶۶
۲۰۶۷
۲۰۶۸
۲۰۶۹
۲۰۷۰
۲۰۷۱
۲۰۷۲
۲۰۷۳
۲۰۷۴
۲۰۷۵
۲۰۷۶
۲۰۷۷
۲۰۷۸
۲۰۷۹
۲۰۸۰
۲۰۸۱
۲۰۸۲
۲۰۸۳
۲۰۸۴
۲۰۸۵
۲۰۸۶
۲۰۸۷
۲۰۸۸
۲۰۸۹
۲۰۹۰
۲۰۹۱
۲۰۹۲
۲۰۹۳
۲۰۹۴
۲۰۹۵
۲۰۹۶
۲۰۹۷
۲۰۹۸
۲۰۹۹
۲۱۰۰
۲۱۰۱
۲۱۰۲
۲۱۰۳
۲۱۰۴
۲۱۰۵
۲۱۰۶
۲۱۰۷
۲۱۰۸
۲۱۰۹
۲۱۱۰
۲۱۱۱
۲۱۱۲
۲۱۱۳
۲۱۱۴
۲۱۱۵
۲۱۱۶
۲۱۱۷
۲۱۱۸
۲۱۱۹
۲۱۲۰
۲۱۲۱
۲۱۲۲
۲۱۲۳
۲۱۲۴
۲۱۲۵
۲۱۲۶
۲۱۲۷
۲۱۲۸
۲۱۲۹
۲۱۳۰
۲۱۳۱
۲۱۳۲
۲۱۳۳
۲۱۳۴
۲۱۳۵
۲۱۳۶
۲۱۳۷
۲۱۳۸
۲۱۳۹
۲۱۴۰
۲۱۴۱
۲۱۴۲
۲۱۴۳
۲۱۴۴
۲۱۴۵
۲۱۴۶
۲۱۴۷
۲۱۴۸
۲۱۴۹
۲۱۵۰
۲۱۵۱
۲۱۵۲
۲۱۵۳
۲۱۵۴
۲۱۵۵
۲۱۵۶
۲۱۵۷
۲۱۵۸
۲۱۵۹
۲۱۶۰
۲۱۶۱
۲۱۶۲
۲۱۶۳
۲۱۶۴
۲۱۶۵
۲۱۶۶
۲۱۶۷
۲۱۶۸
۲۱۶۹
۲۱۷۰
۲۱۷۱
۲۱۷۲
۲۱۷۳
۲۱۷۴
۲۱۷۵
۲۱۷۶
۲۱۷۷
۲۱۷۸
۲۱۷۹
۲۱۸۰
۲۱۸۱
۲۱۸۲
۲۱۸۳
۲۱۸۴
۲۱۸۵
۲۱۸۶
۲۱۸۷
۲۱۸۸
۲۱۸۹
۲۱۹۰
۲۱۹۱
۲۱۹۲
۲۱۹۳
۲۱۹۴
۲۱۹۵
۲۱۹۶
۲۱۹۷
۲۱۹۸
۲۱۹۹
۲۲۰۰
۲۲۰۱
۲۲۰۲
۲۲۰۳
۲۲۰۴
۲۲۰۵
۲۲۰۶
۲۲۰۷
۲۲۰۸
۲۲۰۹
۲۲۱۰
۲۲۱۱
۲۲۱۲
۲۲۱۳
۲۲۱۴
۲۲۱۵
۲۲۱۶
۲۲۱۷
۲۲۱۸
۲۲۱۹
۲۲۲۰
۲۲۲۱
۲۲۲۲
۲۲۲۳
۲۲۲۴
۲۲۲۵
۲۲۲۶
۲۲۲۷
۲۲۲۸
۲۲۲۹
۲۲۳۰
۲۲۳۱
۲۲۳۲
۲۲۳۳
۲۲۳۴
۲۲۳۵
۲۲۳۶
۲۲۳۷
۲۲۳۸
۲۲۳۹
۲۲۴۰
۲۲۴۱
۲۲۴۲
۲۲۴۳
۲۲۴۴
۲۲۴۵
۲۲۴۶
۲۲۴۷
۲۲۴۸
۲۲۴۹
۲۲۵۰
۲۲۵۱
۲۲۵۲
۲۲۵۳
۲۲۵۴
۲۲۵۵
۲۲۵۶
۲۲۵۷
۲۲۵۸
۲۲۵۹
۲۲۶۰
۲۲۶۱
۲۲۶۲
۲۲۶۳
۲۲۶۴
۲۲۶۵
۲۲۶۶
۲۲۶۷
۲۲۶۸
۲۲۶۹
۲۲۷۰
۲۲۷۱
۲۲۷۲
۲۲۷۳
۲۲۷۴
۲۲۷۵
۲۲۷۶
۲۲۷۷
۲۲۷۸
۲۲۷۹
۲۲۸۰
۲۲۸۱
۲۲۸۲
۲۲۸۳
۲۲۸۴
۲۲۸۵
۲۲۸۶
۲۲۸۷
۲۲۸۸
۲۲۸۹
۲۲۹۰
۲۲۹۱
۲۲۹۲
۲۲۹۳
۲۲۹۴
۲۲۹۵
۲۲۹۶
۲۲۹۷
۲۲۹۸
۲۲۹۹
۲۳۰۰
۲۳۰۱
۲۳۰۲
۲۳۰۳
۲۳۰۴
۲۳۰۵
۲۳۰۶
۲۳۰۷
۲۳۰۸
۲۳۰۹
۲۳۱۰
۲۳۱۱
۲۳۱۲
۲۳۱۳
۲۳۱۴
۲۳۱۵
۲۳۱۶
۲۳۱۷
۲۳۱۸
۲۳۱۹
۲۳۲۰
۲۳۲۱
۲۳۲۲
۲۳۲۳
۲۳۲۴
۲۳۲۵
۲۳۲۶
۲۳۲۷
۲۳۲۸
۲۳۲۹
۲۳۳۰
۲۳۳۱
۲۳۳۲
۲۳۳۳
۲۳۳۴
۲۳۳۵
۲۳۳۶
۲۳۳۷
۲۳۳۸
۲۳۳۹
۲۳۴۰
۲۳۴۱
۲۳۴۲
۲۳۴۳
۲۳۴۴
۲۳۴۵
۲۳۴۶
۲۳۴۷
۲۳۴۸
۲۳۴۹
۲۳۵۰
۲۳۵۱
۲۳۵۲
۲۳۵۳
۲۳۵۴
۲۳۵۵
۲۳۵۶
۲۳۵۷
۲۳۵۸
۲۳۵۹
۲۳۶۰
۲۳۶۱
۲۳۶۲
۲۳۶۳
۲۳۶۴
۲۳۶۵
۲۳۶۶
۲۳۶۷
۲۳۶۸
۲۳۶۹
۲۳۷۰
۲۳۷۱
۲۳۷۲
۲۳۷۳
۲۳۷۴
۲۳۷۵
۲۳۷۶
۲۳۷۷
۲۳۷۸
۲۳۷۹
۲۳۸۰
۲۳۸۱
۲۳۸۲
۲۳۸۳
۲۳۸۴
۲۳۸۵
۲۳۸۶
۲۳۸۷
۲۳۸۸
۲۳۸۹
۲۳۹۰
۲۳۹۱
۲۳۹۲
۲۳۹۳
۲۳۹۴
۲۳۹۵
۲۳۹۶
۲۳۹۷
۲۳۹۸
۲۳۹۹
۲۴۰۰
۲۴۰۱
۲۴۰۲
۲۴۰۳
۲۴۰۴
۲۴۰۵
۲۴۰۶
۲۴۰۷
۲۴۰۸
۲۴۰۹
۲۴۱۰
۲۴۱۱
۲۴۱۲
۲۴۱۳
۲۴۱۴
۲۴۱۵
۲۴۱۶
۲۴۱۷
۲۴۱۸
۲۴۱۹
۲۴۲۰
۲۴۲۱
۲۴۲۲
۲۴۲۳
۲۴۲۴
۲۴۲۵
۲۴۲۶
۲۴۲۷
۲۴۲۸
۲۴۲۹
۲۴۳۰
۲۴۳۱
۲۴۳۲
۲۴۳۳
۲۴۳۴
۲۴۳۵
۲۴۳۶
۲۴۳۷
۲۴۳۸
۲۴۳۹
۲۴۴۰
۲۴۴۱
۲۴۴۲
۲۴۴۳
۲۴۴۴
۲۴۴۵
۲۴۴۶
۲۴۴۷
۲۴۴۸
۲۴۴۹
۲۴۵۰
۲۴۵۱
۲۴۵۲
۲۴۵۳
۲۴۵۴
۲۴۵۵
۲۴۵۶
۲۴۵۷
۲۴۵۸
۲۴۵۹
۲۴۶۰
۲۴۶۱
۲۴۶۲
۲۴۶۳
۲۴۶۴
۲۴۶۵
۲۴۶۶
۲۴۶۷
۲۴۶۸
۲۴۶۹
۲۴۷۰
۲۴۷۱
۲۴۷۲
۲۴۷۳
۲۴۷۴
۲۴۷۵
۲۴۷۶
۲۴۷۷
۲۴۷۸
۲۴۷۹
۲۴۸۰
۲۴۸۱
۲۴۸۲
۲۴۸۳
۲۴۸۴
۲۴۸۵
۲۴۸۶
۲۴۸۷
۲۴۸۸
۲۴۸۹
۲۴۹۰
۲۴۹۱
۲۴۹۲
۲۴۹۳
۲۴۹۴
۲۴۹۵
۲۴۹۶
۲۴۹۷
۲۴۹۸
۲۴۹۹
۲۵۰۰
۲۵۰۱
۲۵۰۲
۲۵۰۳
۲۵۰۴
۲۵۰۵
۲۵۰۶
۲۵۰۷
۲۵۰۸
۲۵۰۹
۲۵۱۰
۲۵۱۱
۲۵۱۲
۲۵۱۳
۲۵۱۴
۲۵۱۵
۲۵۱۶
۲۵۱۷
۲۵۱۸
۲۵۱۹
۲۵۲۰
۲۵۲۱
۲۵۲۲
۲۵۲۳
۲۵۲۴
۲۵۲۵
۲۵۲۶
۲۵۲۷
۲۵۲۸
۲۵۲۹
۲۵۳۰
۲۵۳۱
۲۵۳۲
۲۵۳۳
۲۵۳۴
۲۵۳۵
۲۵۳۶
۲۵۳۷
۲۵۳۸
۲۵۳۹
۲۵۴۰
۲۵۴۱
۲۵۴۲
۲۵۴۳
۲۵۴۴
۲۵۴۵
۲۵۴۶
۲۵۴۷
۲۵۴۸
۲۵۴۹
۲۵۵۰
۲۵۵۱
۲۵۵۲
۲۵۵۳
۲۵۵۴
۲۵۵۵
۲۵۵۶
۲۵۵۷
۲۵۵۸
۲۵۵۹
۲۵۶۰
۲۵۶۱
۲۵۶۲
۲۵۶۳
۲۵۶۴
۲۵۶۵
۲۵۶۶
۲۵۶۷
۲۵۶۸
۲۵۶۹
۲۵۷۰
۲۵۷۱
۲۵۷۲
۲۵۷۳
۲۵۷۴
۲۵۷۵
۲۵۷۶
۲۵۷۷
۲۵۷۸
۲۵۷۹
۲۵۸۰
۲۵۸۱
۲۵۸۲
۲۵۸۳
۲۵۸۴
۲۵۸۵
۲۵۸۶
۲۵۸۷
۲۵۸۸
۲۵۸۹
۲۵۹۰
۲۵۹۱
۲۵۹۲
۲۵۹۳
۲۵۹۴
۲۵۹۵
۲۵۹۶
۲۵۹۷
۲۵۹۸
۲۵۹۹
۲۶۰۰
۲۶۰۱
۲۶۰۲
۲۶۰۳
۲۶۰۴
۲۶۰۵
۲۶۰۶
۲۶۰۷
۲۶۰۸
۲۶۰۹
۲۶۱۰
۲۶۱۱
۲۶۱۲
۲۶۱۳
۲۶۱۴
۲۶۱۵
۲۶۱۶
۲۶۱۷
۲۶۱۸
۲۶۱۹
۲۶۲۰
۲۶۲۱
۲۶۲۲
۲۶۲۳
۲۶۲۴
۲۶۲۵
۲۶۲۶
۲۶۲۷
۲۶۲۸
۲۶۲۹
۲۶۳۰
۲۶۳۱
۲۶۳۲
۲۶۳۳
۲۶۳۴
۲۶۳۵
۲۶۳۶
۲۶۳۷
۲۶۳۸
۲۶۳۹
۲۶۴۰
۲۶۴۱
۲۶۴۲
۲۶۴۳
۲۶۴۴
۲۶۴۵
۲۶۴۶
۲۶۴۷
۲۶۴۸
۲۶۴۹
۲۶۵۰
۲۶۵۱
۲۶۵۲
۲۶۵۳
۲۶۵۴
۲۶۵۵
۲۶۵۶
۲۶۵۷
۲۶۵۸
۲۶۵۹
۲۶۶۰
۲۶۶۱
۲۶۶۲
۲۶۶۳
۲۶۶۴
۲۶۶۵
۲۶۶۶
۲۶۶۷
۲۶۶۸
۲۶۶۹
۲۶۷۰
۲۶۷۱
۲۶۷۲
۲۶۷۳
۲۶۷۴
۲۶۷۵
۲۶۷۶
۲۶۷۷
۲۶۷۸
۲۶۷۹
۲۶۸۰
۲۶۸۱
۲۶۸۲
۲۶۸۳
۲۶۸۴
۲۶۸۵
۲۶۸۶
۲۶۸۷
۲۶۸۸
۲۶۸۹
۲۶۹۰
۲۶۹۱
۲۶۹۲
۲۶۹۳
۲۶۹۴
۲۶۹۵
۲۶۹۶
۲۶۹۷
۲۶۹۸
۲۶۹۹
۲۷۰۰
۲۷۰۱
۲۷۰۲
۲۷۰۳
۲۷۰۴
۲۷۰۵
۲۷۰۶
۲۷۰۷
۲۷۰۸
۲۷۰۹
۲۷۱۰
۲۷۱۱
۲۷۱۲
۲۷۱۳
۲۷۱۴
۲۷۱۵
۲۷۱۶
۲۷۱۷
۲۷۱۸
۲۷۱۹
۲۷۲۰
۲۷۲۱
۲۷۲۲
۲۷۲۳
۲۷۲۴
۲۷۲۵
۲۷۲۶
۲۷۲۷
۲۷۲۸
۲۷۲۹
۲۷۳۰
۲۷۳۱
۲۷۳۲
۲۷۳۳
۲۷۳۴
۲۷۳۵
۲۷۳۶
۲۷۳۷
۲۷۳۸
۲۷۳۹
۲۷۴۰
۲۷۴۱
۲۷۴۲
۲۷۴۳
۲۷۴۴
۲۷۴۵
۲۷۴۶
۲۷۴۷
۲۷۴۸
۲۷۴۹
۲۷۵۰
۲۷۵۱
۲۷۵۲
۲۷۵۳
۲۷۵۴
۲۷۵۵
۲۷۵۶
۲۷۵۷
۲۷۵۸
۲۷۵۹
۲۷۶۰
۲۷۶۱
۲۷۶۲
۲۷۶۳
۲۷۶۴
۲۷۶۵
۲۷۶۶
۲۷۶۷
۲۷۶۸
۲۷۶۹
۲۷۷۰
۲۷۷۱
۲۷۷۲
۲۷۷۳
۲۷۷۴
۲۷۷۵
۲۷۷۶
۲۷۷۷
۲۷۷۸
۲۷۷۹
۲۷۸۰
۲۷۸۱
۲۷۸۲
۲۷۸۳
۲۷۸۴
۲۷۸۵
۲۷۸۶
۲۷۸۷
۲۷۸۸
۲۷۸۹
۲۷۹۰
۲۷۹۱
۲۷۹۲
۲۷۹۳
۲۷۹۴
۲۷۹۵
۲۷۹۶
۲۷۹۷
۲۷۹۸
۲۷۹۹
۲۸۰۰
۲۸۰۱
۲۸۰۲
۲۸۰۳
۲۸۰۴
۲۸۰۵
۲۸۰۶
۲۸۰۷
۲۸۰۸
۲۸۰۹
۲۸۱۰
۲۸۱۱
۲۸۱۲
۲۸۱۳
۲۸۱۴
۲۸۱۵
۲۸۱۶
۲۸۱۷
۲۸۱۸
۲۸۱۹
۲۸۲۰
۲۸۲۱
۲۸۲۲
۲۸۲۳
۲۸۲۴
۲۸۲۵
۲۸۲۶
۲۸۲۷
۲۸۲۸
۲۸۲۹
۲۸۳۰
۲۸۳۱
۲۸۳۲
۲۸۳۳
۲۸۳۴
۲۸۳۵
۲۸۳۶
۲۸۳۷
۲۸۳۸
۲۸۳۹
۲۸۴۰
۲۸۴۱
۲۸۴۲
۲۸۴۳
۲۸۴۴
۲۸۴۵
۲۸۴۶
۲۸۴۷
۲۸۴۸
۲۸۴۹
۲۸۵۰
۲۸۵۱
۲۸۵۲
۲۸۵۳
۲۸۵۴
۲۸۵۵
۲۸۵۶
۲۸۵۷
۲۸۵۸
۲۸۵۹
۲۸۶۰
۲۸۶۱
۲۸۶۲
۲۸۶۳
۲۸۶۴
۲۸۶۵
۲۸۶۶
۲۸۶۷
۲۸۶۸
۲۸۶۹
۲۸۷۰
۲۸۷۱
۲۸۷۲
۲۸۷۳
۲۸۷۴
۲۸۷۵
۲۸۷۶
۲۸۷۷
۲۸۷۸
۲۸۷۹
۲۸۸۰
۲۸۸۱
۲۸۸۲
۲۸۸۳
۲۸۸۴
۲۸۸۵
۲۸۸۶
۲۸۸۷
۲۸۸۸
۲۸۸۹
۲۸۹۰
۲۸۹۱
۲۸۹۲
۲۸۹۳
۲۸۹۴
۲۸۹۵
۲۸۹۶
۲۸۹۷
۲۸۹۸
۲۸۹۹
۲۹۰۰
۲۹۰۱
۲۹۰۲
۲۹۰۳
۲۹۰۴
۲۹۰۵
۲۹۰۶
۲۹۰۷
۲۹۰۸
۲۹۰۹
۲۹۱۰
۲۹۱۱
۲۹۱۲
۲۹۱۳
۲۹۱۴
۲۹۱۵
۲۹۱۶
۲۹۱۷
۲۹۱۸
۲۹۱۹
۲۹۲۰
۲۹۲۱
۲۹۲۲
۲۹۲۳
۲۹۲۴
۲۹۲۵
۲۹۲۶
۲۹۲۷
۲۹۲۸
۲۹۲۹
۲۹۳۰
۲۹۳۱
۲۹۳۲
۲۹۳۳
۲۹۳۴
۲۹۳۵
۲۹۳۶
۲۹۳۷
۲۹۳۸
۲۹۳۹
۲۹۴۰
۲۹۴۱
۲۹۴۲
۲۹۴۳
۲۹۴۴
۲۹۴۵
۲۹۴۶
۲۹۴۷
۲۹۴۸
۲۹۴۹
۲۹۵۰
۲۹۵۱
۲۹۵۲
۲۹۵۳
۲۹۵۴
۲۹۵۵
۲۹۵۶
۲۹۵۷
۲۹۵۸
۲۹۵۹
۲۹۶۰
۲۹۶۱
۲۹۶۲
۲۹۶۳
۲۹۶۴
۲۹۶۵
۲۹۶۶
۲۹۶۷
۲۹۶۸
۲۹۶۹
۲۹۷۰
۲۹۷۱
۲۹۷۲
۲۹۷۳
۲۹۷۴
۲۹۷۵
۲۹۷۶
۲۹۷۷
۲۹۷۸
۲۹۷۹
۲۹۸۰
۲۹۸۱
۲۹۸۲
۲۹۸۳
۲۹۸۴
۲۹۸۵
۲۹۸۶
۲۹۸۷
۲۹۸۸
۲۹۸۹
۲۹۹۰
۲۹۹۱
۲۹۹۲
۲۹۹۳
۲۹۹۴
۲۹۹۵
۲۹۹۶
۲۹۹۷
۲۹۹۸
۲۹۹۹
۳۰۰۰
۳۰۰۱
۳۰۰۲
۳۰۰۳
۳۰۰۴
۳۰۰۵
۳۰۰۶
۳۰۰۷
۳۰۰۸
۳۰۰۹
۳۰۱۰
۳۰۱۱
۳۰۱۲
۳۰۱۳
۳

بانک، مشروط به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان است. در واقع سپرده‌گذاران، بانک را نه دریافت‌کننده قرض‌الحسنه، بلکه واسطه اعطای قرض‌الحسنه می‌بینند. این ارتکاز عرفی، به صورت شرط ضمن عقد عمل می‌کند. دکتر *کاتوزیان* می‌نویسد: «در برخی موارد، عقل به‌گونه‌ای آشکار، وجود شرط را از لوازم عقد می‌شمارد و این همان شرط ارتکازی است که اساسا نیازی به ذکر آن در عقد نمی‌باشد» (اسماعیلی توکلی‌کیا، ۱۳۹۰). *محقق داماد* می‌نویسد: «منظور از شرط ارتکازی آن دسته از شروط ضمنی است که در قرارداد تصریح نشده، ولی قصد مشترک طرفین نسبت به آن محرز با شد. شرط ارتکازی در حقوق کامن‌لا، شرط ضمنی واقعی نامیده می شود» (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۲۸۴). بنابراین، سپرده پس‌انداز، مشروط به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازهای دارای اولویت است و مردم، بانک را شخصیت حقوقی نیازمند تلقی نمی‌کنند و قصد برآوردن نیاز او را ندارند. بنابراین، مالکیت بانک، مشروط به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه است و هر آنچه غیر از آن انجام دهد، برخلاف شرط مذکور و باطل است.

نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه، باید نزدیک به یک باشد؛ زیرا انگیزه صاحبان سپرده قرض‌الحسنه کسب اجر معنوی قرض‌الحسنه است. بانک باید برای تحقق اراده سپرده‌گذاران، همهٔ سپرده‌های قرض‌الحسنه را صرف تسهیلات قرض‌الحسنه کند (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵). به‌دلیل غفلتی که در این زمینه انجام گرفته، بانک‌ها منابع قرض‌الحسنه، که با هزینه نزدیک به صفر تجهیز کرده‌اند را، در سال‌های گذشته گاهی به‌جای به کارگیری در افزایش رفاه جامعه، در راستای فعالیت‌های سودآور یا پرداخت قرض‌الحسنه به کارکنان خود استفاده کرده‌اند. این مسئله، در کنار قدرت خلق پول، از مهم‌ترین انگیزه‌های افراد و نهادهای مختلف جهت تأسیس بانک بوده است.

رویکرد قانون به اهداف سپرده‌گذاران

قانون، همواره از انگیزه صاحبان سپرده قرض‌الحسنه حمایت کرده است. قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳)، دولت را مکلف می‌کند که تمام منابع سپرده‌های قرض‌الحسنه را پس از کسر ذخایر قانونی، در اختیار متقاضیان قرض‌الحسنه قرار دهد. با توجه به اینکه هدف اصلی این قانون، رفاه حداکثری مردم و توسعه حداکثری کشور است، می‌توان گفت: منظور، تأمین نیازهای متقاضیانی است که ضروری‌ترین نیازهای شخصی و یا بیشترین سهم را در بزرگ‌کردن اقتصاد کشور دارند. برنامه‌های توسعه، قانون بالادستی محسوب شده همه نهادها موظف به تمکین در برابر آنها هستند. در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹)، نظام بانکی موظف شد که پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، ۷۰٪ باقی را به‌صورت وام بدون بهره برای تهیه وسایل تولید بپردازد. این برنامه، با تعیین اولویت‌های اقتصادی و موظف‌ساختن بانک‌ها، به تحقق آنها با صراحت از انحراف این سپرده‌ها بازمی‌دارد. دولت در سال ۱۳۸۶، مؤسسات اعتباری را مکلف ساخت، حداقل ۹۵٪ منابع سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه را پس از کسر سپرده قانونی، به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص دهند و هرگونه تسهیلات خارج از عقد قرض‌الحسنه، از این سپرده‌ها را ممنوع کرد. بنابراین، قانون خلأی برای ایجاد انحراف در سپرده‌های قرض‌الحسنه و یا فرصتی برای تفسیر ناصواب قانون باقی نگذارده است. قانون برنامه پنجم (۱۳۸۹)، در گامی به جلو، بانک‌ها را موظف کرد تا این منابع را صرفاً به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص دهند. این دستورالعمل‌ها را می‌توان به عنوان حکم حکومتی لحاظ کرد که

بانک‌ها، موظف به رعایت آن هستند و هرگونه تخلف از آن، باید جبران گردد.

این قوانین با تأخیر، درباره قرض‌الحسنه پس‌انداز اجرا شد. اما خلأ قانونی درباره قرض‌الحسنه جاری، همچنان باقی ماند و هیچ مقدار از آن، به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص داده نشد. بخش مهم و قابل توجه منابع قرض‌الحسنه، سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری است و بانک‌ها به دلیل خلإ قانونی و قدرت و انحصاری خود، هیچ مقدار از این منابع را به صورت قرض‌الحسنه وام نداده، و از این منابع، سودهای کلان کسب می‌کنند که از آن تحت عنوان «رانتی» که به دلیل خلا قانونی به بانک‌ها داده شده، یاد می‌شود. بانک‌ها به ازای سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، به جز دسته چک، خدمات دیگری ارائه نمی‌دهند. در حالی که در سایر کشورها، عمده تسهیلات و وام‌های خرد و حساب‌های اعتباری خرید کالای مشتریان، بر مبنای حساب جاری آنها است. بانک‌ها خدمات وسیعی به ازای این حساب به مشتریان خود ارائه می‌دهند. در ایران، همه سپرده‌های جاری در اختیار بانک‌ها قرار دارد و بانک‌ها، از محل این منابع، که با نرخ صفر از مردم دریافت کرده‌اند، سودهای بالا کسب کرده و هیچ مقدار از آن را قرض‌الحسنه نداده‌اند. به‌صرفه‌بودن سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، برای بانک‌ها و عدم نظارت بر آن، به دلیل خلا قانونی، موجب شده تا برخی از بانک‌ها اقدام به گشایش سپرده جاری، بدون دسته چک برای مشتریان کنند تا از مانده حساب جاری مشتریان در این حساب استفاده کرده، از آن سود حاصل کنند. در قانون وام ازدواج مجلس، مقرر شد اندکی از این سپرده‌ها، به صورت قرض‌الحسنه در جهت نیازهای ضروری، از جمله ازدواج وام داده شود و از محل آن، وام ازدواج به ۱۰ میلیون تومان افزایش یابد. بانک‌ها در مخالفت استدلال می‌کردند که سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، به دلیل عدم پایداری، قابل وام‌دادن نیستند. در حالی که خود از این منابع در جهات دیگر استفاده می‌کنند. در شرایط فعلی، حجم قابل توجهی از این سپرده‌ها در راستای اعطای تسهیلات غیرقرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری‌های بانک مورد استفاده قرار گرفته و منافع آن، نصیب بانک و سهامداران می‌شود. استدلال دیگر بانک‌ها این است که قصد صاحبان سپرده جاری، پرداخت قرض‌الحسنه نیست. بنابراین، تخصیص این منابع، به صورت قرض‌الحسنه اشکال شرعی دارد. در حالی که هدف اصلی سپرده‌گذاران در حساب جاری، مشارکت در پرداخت تسهیلات مبادله‌ای، مشارکتی و یا سرمایه‌گذاری، که سود آن برای بانک است، نبوده است. اگر سپرده‌گذاران قدرت انتخاب داشته باشند، اکثر آنها تأمین نیازهای ضروری مردم، یا بخش تولید را به سودآوری بانک ترجیح خواهند داد. استدلال دیگر اینکه دولت نمی‌تواند برای بانک‌های بخش خصوصی، که یک بنگاه اقتصادی محسوب می‌شوند، تصمیم‌گیری کند. در حالی که نمی‌توان کشوری را یافت که بانک‌ها امکان دریافت سپرده با نرخ صفر، به صورت قرض‌الحسنه دارند؛ اما حاکمیت نمی‌تواند برای مصارف آن تعیین تکلیف کند. استدلال دیگر این است که بانک‌ها، با تنگنای مالی و هزینه‌های سنگین مواجه هستند و تنها راه ادامه حیات آنها، سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری است. بنابراین، این منابع نباید محل تأمین قرض‌الحسنه به نیازهای مردم باشد. در حالی که تنگنای مالی و هزینه‌های سنگین بانک‌ها، تاحدی به دلیل ناکارآمدی در مدیریت بانکی و ریسک‌های زیادی است که عمدتاً خود بانک‌ها متحمل شدند. به علاوه، در کشورهای پیشرفته، سود بانک‌ها از اعطای تسهیلات، از

سپرده‌های جاری، حداکثر ۷ تا ۸ درصد است. اما در ایران، بانک‌ها این سپرده‌ها را با نرخ صفر از مشتریان دریافت کرده و با نرخ‌های بالای ۲۴ درصد به مردم وام می‌دهند. این سود یک رانت بزرگ است.

برای جلوگیری از تخصیص غیربهینه منابع قرض‌الحسنه، می‌توان سپرده‌های قرض‌الحسنه را از طریق عقد وکالت و بر اساس اولویت‌های اقتصادی تجهیز کرد. این اقدام، به کاهش نرخ سود انواع تسهیلات کمک می‌کند؛ زیرا حجم بیشتری از نیازهای جامعه، از طریق قرض‌الحسنه تأمین شده، تقاضای دیگر تسهیلات کاهش می‌یابد. این امر، موجب تقویت انگیزه سپرده‌گذاران شد که ممکن است وجوه دیگری مانند وقف، وصیت، خیرات، هدایای نقدی و ... را به صورت قرض‌الحسنه در بانک قرار دهند. ممکن است برخی از ایشان، مال خود را وقف قرض‌الحسنه، به نیازمندان از طریق نظام بانکی کنند، تا برای ابد در این راه به کار رود.

وجود نرخ بهره منفی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه

حکم عقل این است که اگر وام‌گیرنده، می‌تواند هم اصل دین را ادا کند و هم احسان قرض‌دهنده را جبران کند، باید چنین کند. آیه شریفه «هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلاَّ الْإِحْسانُ» (رحمان: ۶۰)، در تایید این حکم عقل است. احسان به این معنا است که خوبی با خوبیِ بیشتر، جبران شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۱۲، ص۴۷۷). بسیاری از مفسران، احسان را به معنای زیادت و تفضل گرفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج۳، ص ۱۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج۲، ص ۳۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص ۳۶۸). تأکید عقل، این است که پاداش احسان در صورت امکان، برتر از احسان باشد. آیه شریفه«لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا الْحُسْنی وَ زِیادَه» (یونس: ۲۶) و آیه شریفهٔ «اذا حییتم بتحیه فحیوا باحسن منها» (نساء: ۸۶) در تأیید این حکم عقل است. روایتی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بر این امر دلالت دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۵، ص ۴۴). از نظر شرع مقدس، از یک سو، مستحب است که فرد مؤمن ایثار کرده، از منافع پول نقد و کالای حال بگذرد و به دیگران قرض دهد. از سوی دیگر، مستحب است که اگر از کسی قرض گرفت، زیاده بدهد. پرداخت مازاد بر قرض مستحب است. این استحباب، دلالت بر وجود مصالح ذاتی دارد. پرداخت مازاد گرچه مستحب است، اما اگر الزام یابد، حرام می‌شود.

دیگر حکم عقل این است که در قرض، مال بالفعل به مال بالقوه تبدیل می شود. قرض‌دهنده، می‌تواند بابت تفاوت ارزش این دو، مبلغی دریافت دارد. بر همین اساس، بین نقد و نسیه، تفاوت است. در قرض، مال قرض داده‌شده، مانند مال محبوس است و حبس در ارزش مال تاثیر دارد. چنان‌که ارزش مالی، که از گمرک خارج شده و مالی که از آن خارج نشده، متفاوت است. اگر کسی مال حبس یا ضبط شده را با مال آزاد مبادله کند، می‌تواند اضافه‌ای دریافت دارد. اگر گفته شود که «من علیه الغرم له الغنم»، در پاسخ می‌توان گفت: دِین نیز در معرض ریسک است؛ چون امکان تخلف در تعهد است و اگر ارزش منافع قرض، بیش از ارزش ضمانت قرض‌گیرنده برای طلبکار باشد، دریافت مازاد عادلانه صحیح است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۵، ص ۱۸۳).

ممکن است گفته شود که در قرض، پول از تملک فرد خارج می‌شود و او مالک دِین می‌گردد. این یک امر اعتباری است و امر اعتباری قابل افزایش نیست (همان، ص۴۷) بنابراین، هر نوع الزامی حرام است. اما از نظر عقلی (بدون لحاظ حکم شرع) و

می‌توان در ضمن عقد قرض شرط کرد که در حالت رونق و ایجاد نفع، پاداشی به قرض‌دهنده تعلق گیرد. استحباب اعطای پاداش به قرض‌دهنده، بر این حکم عقل تاکید دارد. قرض‌های مصرفی، نوعاً سودی برای قرض‌گیرنده نمی‌آورد، اما قرض‌های تولیدی که با سود همراه است، مصداق این حکم واقع می‌شود. اما آیا قرض‌دهنده می‌تواند این پاداش را شرط کند؟ می‌توان در ضمن هر عقد، هر امری را که مخالف عقل و دین و مصالح فرد و جامعه نباشد، شرط نمود. در شرایطی که حذف یک‌باره بهرهِ سرمایه‌گذاری مولد، به اقتصاد آسیب می‌رساند، شرط بهره در وام سرمایه‌گذاری (مشروط به تعدیل آن در رونق و رکود، و سوق تدریجی آن به سوی نرخ تعادلی)، از مصادیق این مخالفت شمرده نمی‌شود.

در حالی که نظام بانکی، نه تنها به حکم استحبابِ پرداخت مازاد به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه عمل نکرده، بلکه هر ساله از قدرت خرید آنان کاسته و به قرض‌گیرندگان منتقل ساخته است. نظام بانکی، بر خلاف حکم شارع مقدس، که تاکید می‌کند قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده پاداش دهد، از جیب قرض‌دهنده، به قرض‌گیرنده پاداش می‌پردازد؛ بدون اینکه قرض‌دهنده به این امر راضی باشد. از چالش‌های نظام قرض‌الحسنه، کاهش شدید ارزش سپرده‌های قرض‌الحسنه، در شرایط تورمی شدید است. در سال‌های پس از انقلاب، نرخ بالای تورم، موجب کاهش دارایی واقعی سپرده‌گذاران شده است (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵). به واسطه میانگین تورم، نزدیک به ۲۰ در صدی در دهه‌های پس از انقلاب، که نسبت به اکثر کشورهای جهان بالاتر است، سالانه ۲۰٪ قدرت خرید پس‌اندازکنندگان کاهش یافته، به جیب بانک‌ها و دریافت‌کنندگان تسهیلات رفته است.

جدول نرخ تورم سال‌های پس از انقلاب

سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم
۱۳۵۷	۱۰	۱۳۷۰	۲۰,۷	۱۳۸۳	۱۵,۲
۱۳۵۸	۱۱,۴	۱۳۷۱	۲۴,۴	۱۳۸۴	۱۰,۴
۱۳۵۹	۲۳,۵	۱۳۷۲	۲۲,۹	۱۳۸۵	۱۱,۹
۱۳۶۰	۲۲,۸	۱۳۷۳	۳۵,۲	۱۳۸۶	۱۸,۴
۱۳۶۱	۱۹,۲	۱۳۷۴	۴۹,۴	۱۳۸۷	۲۵,۴
۱۳۶۲	۱۴,۸	۱۳۷۵	۲۳,۲	۱۳۸۸	۱۰,۸
۱۳۶۳	۱۰,۴	۱۳۷۶	۱۷,۳	۱۳۸۹	۱۲,۴
۱۳۶۴	۶,۹	۱۳۷۷	۱۸,۱	۱۳۹۰	۲۱,۵
۱۳۶۵	۲۳,۷	۱۳۷۸	۲۰,۱	۱۳۹۱	۳۰,۵
۱۳۶۶	۲۷,۷	۱۳۷۹	۱۲,۶	۱۳۹۲	۳۴,۷
۱۳۶۷	۲۸,۹	۱۳۸۰	۱۱,۴	۱۳۹۳	۱۵,۶
۱۳۶۸	۱۷,۴	۱۳۸۱	۱۵,۸	۱۳۹۴	۱۱,۹
۱۳۶۹	۹	۱۳۸۲	۱۵,۶	۱۳۹۵	۹

(منبع: آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

اگر نرخ تورم در سال‌های پس از انقلاب، به طور متوسط ۲۰٪ بوده، نرخ واقعی بهره پس‌انداز قرض‌الحسنه، به طور متوسط ۲۰٪- بوده است. در حالی که توده مردم بر این باورند که نرخ بهره پس‌انداز قرض‌الحسنه صفر است. و از نرخ واقعی آن آگاه نیستند. غافل نگاه‌داشتن مردم از نرخ‌های واقعی، نوعی فریب است. آنچه در علم اقتصاد و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مورد توجه است، نرخ‌های واقعی است؛ نه نرخ‌های اسمی. چنانکه امروز قدرت خرید پول مورد توجه است، نه ارزش اسمی آن. بنابراین، مسئله جدیدی در فقه و شرع مطرح می‌شود و آن اینکه اگر نرخ بهره مثبت، در قرض‌الحسنه حرام است؛ چون موجب انتقال مال از قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده می شود، آیا نرخ بهره منفی، که موجب انتقال مال از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده می شود، نیز حرام است؟ آیا می‌توان گفت: اولی ظالمانه و دومی غیرظالمانه است؟ به نظر می‌رسد، در شرایط تورم شدید، حالت دوم نیز ظالمانه است و می‌توان حکم حرمت بر آن بار کرد. به عنوان نمونه، اگر نرخ تورم سالانه ۲۰٪ باشد، پس‌اندازکننده‌ای که یک میلیون تومان در بانک می‌گذارد، در سال اول دویست‌هزار تومان ارزش پولش را از دست می‌دهد. در حالی که اگر کالا می‌خرید، دویست‌هزار تومان روی قیمت آن می‌آمد؛ یعنی او چهار صد تومان خسارت و عدم نفع داشته است. حال اگر او سرمایه‌اش را دو سال در بانک به عنوان قرض‌الحسنه بگذارد، حدود سی‌صد و پنجاه هزارتومان، از قدرت خرید خود را از دست می‌دهد و خسارت مذکور به هفت‌صدهزار تومان می‌رسد. در سال سوم، قدرت خرید او نزدیک به نیم میلیون کاهش می‌یابد و خسارت مذکور، به یک میلیون نزدیک می‌شود. در سال چهارم، این رقم به هشت‌صد هزار و در سال پنجم به یک میلیون می‌رسد. ارزش واقعی یک میلیون تومان، پس از ده سال تقریباً به صدهزار تومان و خسارت مذکور، به یک میلیون و هشت صد هزار تومان می‌رسد. حال باید دید که مجموع سپرده‌گذاران پس‌انداز قرض‌الحسنه، در طی ۴۰ سال پس از انقلاب، چه میزان قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. می‌توان بر اساس آمار محاسبه کرد که در ۴۰ سال گذشته، چه حجم از پول به صورت قرض‌الحسنه، در بانک‌های کشور سپرده‌گذاری شده است. این رقم، اگر در ۲۰٪ ضرب شود، حاصل آن، میزان انتقال پول از جیب سپرده‌گذاران به جیب بانک و دریافت‌کنندگان تسهیلات را نشان می‌دهد. در واقع، نظام بانکداری تحت نام قرض‌الحسنه، جابجایی عظیمی در اموال مردم انجام داده است. وقتی مردم این مسئله را دریابند، از سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه خودداری می‌کنند (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵). به عنوان نمونه، اگر در سال ۱۳۹۸، حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان و تورم ۴۰٪ بوده باشد، در پایان سال، ۴۰ هزارمیلیارد تومان از قدرت خرید این سپرده‌ها کاسته شده است و خسارتی بسیار سنگین و ظالمانه برای سپرده‌گذاران است.

در وضعیت تورمی شدید، اگر در بازپرداخت سپرده‌ها، قدرت خرید حقیقی معیار قرار نگیرد، سپرده‌گذران، با خسارت‌های فراوان مواجه می‌شوند. در نتیجه، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و رفاه عمومی کاهش می‌یابد و به‌کارگیری غیرکارآمد پس‌اندازها را به دنبال دارد. این امر خود سبب تشدید تورم می شود (یوسفی، ۱۳۸۳). عدالت اقتضا می‌کند که در شرایط تورمی شدید، به دلیل کاهش ارزش پول، پرداخت‌های مدت‌دار، با جبران قدرت خرید پول همراه باشد. مهریه خانمی که پنجاه سال قبل ۱۰ هزار تومان تعیین شده، قدرت خرید آن مبلغ در آن سال، معادل یک منزل بود. اما امروزه معادل کلید منزل است (ر.ک: شعبانی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۰-۱۹۰).

لزوم نرخ بهره واقعی صفر برای سپرده‌های قرض‌الحسنه

با توجه به تاکید اسلام، بر جبران احسان قرض‌دهندگان، به ویژه در قرض‌های تولیدی، که با سود بسیار همراه است، آیا می‌توان به جای اعطای مازاد و پاداش به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه، بخشی از مال آنان را به آنان بازنگرداند و در شرایط تورمی، که از ارزش واقعی سپرده آنان کاسته می شود، این کاهش ارزش را جبران نکرد؟ آیا کسی که صد میلیون قرض‌الحسنه دریافت می‌دارد، می‌تواند بعد از ده سال، یک‌دهم ارزش واقعی پول را به صاحب پول بازگرداند؟

در پاسخ به این مسئله، می‌توان به عرف مراجعه کرد. عرف اهمیت و جایگاه بی‌بدیلی در استنباط احکام شرعی دارد، و در تشخیص مفاهیم و مصادیق بسیاری از موضوعات، چاره‌ای جز رجوع به عرف نیست. امام خمینی(ره) می‌فرماید: از جمله شرایط اجتهاد، انس با محاورات عرفی و فهم موضوعات عرفی است؛ همان عرفی که محاورات قرآن و سنّت بر طبق آن صورت گرفته است. شرط اجتهاد، دوری جستن از خلط دقایق علوم عقلی با معانی عرفی عادی است. برای برخی از دل‌مشغولانِ دقایق علوم، حتی اصول فقه این مشکل زیاد پیش می‌آید که معانی عرفی بازاری و رایج، میان اهل لغت را که بنای قرآن و سنت بر آن است، بادقت‌هایی که خارج از فهم عرف می‌باشد، به هم می‌آمیزند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ص ۹۶-۹۷). برخی بر این باورند که عرف صرفاً در تشخیص موضوعات مؤثر بوده، دست آن به دامن احکام نمی‌رسد؛ در حالی که ملاحظه آیات و روایات و بررسی احکام شرعی، به ویژه در معاملات نشان می‌دهد که شارع مقدس، در جعل احکام نیز معیارهای عرفی را مورد توجه قرار داده است. وجود احکام امضائیه در مجموعه احکام شرعی، مؤید این ادعا است. این، تسهیل بر بندگان است که خداوند برخی از روش‌های عقلا را امضا کرده، آن را جزئی از احکام خود قرار داده است (عابدیان، ۱۳۸۱). در جریان استنباط حکم شرعی، سه عنوان اصلی عبارتند از: حکم، موضوع و مصداق. حکم را فقیه به مدد نصوص استنباط می‌کند. موضوع و حدود حکم را فقیه، باید از لسان روایات، یا با تکیه بر قول اهل لغت و یا عرف مشخص کند. تعیین مصادیق، وظیفه فقیه نیست، بلکه بر عهدهٔ مکلف و عرف یا متخصصان فن است. بنابراین، از سه شبهه حکمیه، مفهومیه و مصداقیه، مرجع اولی شرع و مرجع دو قسم اخیر، در اکثر موارد، عرف می‌باشد (همان). شهید اول می‌گوید: «تغییر احکام با تغییر عرف جایز می‌باشد» (شهید اول، بی‌تا، ج۱، ص ۱۵۱-۱۵۲). ایشان می‌گوید: «اگر توهین‌ها به حسب مناطق، مختلف باشد در تعزیر، عرف هر منطقه مورد ملاحظه قرار می‌گیرد» (همان، ج۲، ص ۱۴۴). در متون دینی، تعیین مصادیق و تطبیق موضوعات و مفاهیم بر مصادیق و تشخیص افراد، انواع و اصناف هر موضوع، به عرف واگذار شده است. بنابراین، برای احراز حکم قانون، دادگاه در مقام تطبیق مفهوم و عنوان با واقعهٔ انجام‌یافته در خارج، گریزی از مراجعه به عرف ندارد. چنان که در باب قتل، در مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد، گرچه قصد کشتن را نداشته باشد، دادگاه برای تشخیص و احراز نوعاً کشنده‌بودن و تطبیق آن با قتلی که واقع شده، ناچار به مراجعه به عرف بوده، بدون این مراجعه، قادر به صدور حکم نخواهد بود (جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۷۸، ص ۲۰۷-۲۱۴).

حال این سؤال مطرح است که نظر عرف، در بارهٔ کاهش ارزش پول قرض‌داده شده چیست؟ آیا عرف ارزش واقعی و قدرت خرید را در نظر می‌گیرد؟ آیا عرف، قائل به لزوم جبران کاهش ارزش پول، در همه حالات تورم و یا

در تورم شدید است؟ مردم در برابر کاهش ارزش پول واکنش نشان می‌دهند. مردم وقتی انتظار دارند که تورم و کاهش ارزش پول ادامه یابد، خریدهای آیندهٔ خود را زودتر انجام خواهند داد، تا از ضرر و زیان کاهش ارزش پول در امان باشند. افراد، هنگام تورم و کاهش قدرت خرید پول، آمادگی کمتری برای پرداخت قرض دارند. اگر ارزش پول کاهش یابد، عرف، زمانی مدیون را بری‌ءالذمه می شمارد که در ادای دین، ارزش حقیقی و ارزش مبادله‌ای واقعی پول را ملاک قرار دهد و آن را به دائن بپردازد. در غیر این صورت، اگر مدیون، تنها ارزش اسمی را پرداخت کند، عرف او را بری‌ءالذمه نمی‌داند. این امر، در عرف دنیا در بارهٔ سپرده‌های بانکی و سایر پرداخت‌های پولی مالی نیز مورد توجه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶ الف، ص ۷۴۲؛ ۱۳۷۶ ب، ص ۱۶۱). البته واکنش عرف و عقلا، در مواجهه با انواع مختلف تورم و کاهش ارزش پول، متفاوت است و نظریهٔ جبران، به طور مطلق مورد پذیرش نیست. معمولاً در تورم‌های اندک، کاهش ارزش پول به اندازه‌ای است که عرف، مدیون را با پراخت ارزش اسمی پول، بری‌ءالذمه می‌داند، ولی در تورم شدید، عرف، پرداخت ارزش اسمی را کافی نمی‌داند و مقدار پول قرض‌گرفته‌شده و مقدار پول بازپرداخت‌شده را دو مقدار متفاوت از هم می‌بیند (عباسی حسین‌آبادی و ولی‌زاده، ۱۳۸۷).

عدم جبران کاهش ارزش پول، در مبادلات مدت‌دار، با اصل عدم ظلم، که بر همه معاملات حاکم است، مغایرت دارد و قدرت خرید، تنها معیار برای اجرای عدالت در معاملات مدت‌دار است (موسایی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳–۱۲۶). آیت‌الله *مکارم شیرازی* می‌نویسد:

> **مسئلهٔ تورم در عصر ما با این شدت و وسعت که زائیده پول‌های کاغذی است، هرگاه در عرف عام به رسمیت شناخته شود، جبران کاهش ارزش پول، ربا نخواهد بود. همان طور که برخی کشورهای خارجی، نسبت به سپرده‌های بانکی، هم نرخ تورم را محاسبه می‌کنند و هم سود را. در چنین شرایطی محاسبه نرخ تورم ربا نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶ ب، ص ۱۶۱).**

آیت‌الله بجنوردی می‌نویسد:

> **در نظریه جبران کاهش ارزش پول، به اسکناس، به قدرت خرید نگریسته می‌شود، نه صرفا به ارزش اسمی. بنابراین، قرض اسکناس، تملیک مقداری معین از قدرت خرید است که به ازای آن، همان مقدار باید برگردانده شود و این، رباخواری محسوب نمی‌شود؛ زیرا در چنین قراردادی منفعتی حاصل نشده است تا مصداق ربا شود. اگر مقترض در زمان تأدیه بدهی، همان تعداد اسکناس دریافتی که در اثر تورم، ارزش آن کاهش یافته است را به مقرض بپردازد، کمتر از آنچه دریافت کرده، پرداخته است و ذمه‌اش بری نخواهد شد و مقرض زیان خواهد دید و اصل مسّلم عقلاییِ تساوی عوضین، رعایت نخواهد شد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲).**

اگر در بازپرداخت سپرده‌ها، قدرت خرید حقیقی آنها معیار قرار گیرد، پس‌اندازها و سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و تولید، فزونی می‌یابد، سود واقعی سپرده‌گذاران مثبت، و تورم کنترل می‌شود؛ رفاه عمومی بهبود می‌یابد و سرانجام، جامعه به سمت اجرای اصل آرمانی عدالت اجتماعی و اقتصادی، پیش می‌رود (یوسفی، ۱۳۸۳). جبران کاهش قدرت خرید سپرده‌ها، از طریق به‌کاربردن شاخص‌بندی در قراردادهای وام، فضای مطمئن برای فعالیت اقتصادی ایجاد می‌کند

(فینچ، ۱۹۵۶). اگر کاهش قدرت خرید سپرده‌ها جبران شود و اعتماد مردم به بانک‌ها افزایش یابد، سهم قرض‌الحسنه افزایش می‌یابد. می‌توان از ابزارهای دیگری نیز مانند اوراق صکوک قرض‌الحسنه و اوراق صکوک وقف، با رویکرد قرض‌الحسنه و اوراق هدایا و وصایا با رویکرد قرض‌الحسنه و سایر اوراق صکوک از این نوع استفاده کرد. افراد در رابطه با قرض‌الحسنه، به دسته‌های مختلف تقسیم می شوند: برخی قرض‌الحسنه نمی‌دهد. برخی آمادگی دارند که بخشی از سرمایهٔ خود را قرض‌الحسنه دهند. برخی حاضرند بخشی از سود سرمایه خود را قرض‌الحسنه دهند. برخی آمادگی دارند که پول اختصاص‌داده به قرض‌الحسنه را به نفع خود قرض‌الحسنه سرمایه‌گذاری، بدون ریسک نمایند. برخی در صورت جبران تورم، قرض‌الحسنه می‌پردازند. برخی حاضرند به صورت تعویق دریافت سود، به این امر کمک کنند. یک سازوکار برای جلب مشارکت در قرض‌الحسنه، پس از جبران تورم، این است که از صاحبان سپرده اجازه گرفته شود که قرض‌الحسنه آنان، در سرمایه‌گذاری‌های بدون ریسک استفاده شود و سود حاصل از این سرمایه‌گذاری، صرف قرض‌الحسنه شود (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱).

برای جبران کاهش ارزش سپرده‌های بانکی، روش شاخص‌بندی پیشنهاد شده است که چنانکه مجلس شورای اسلامی در ۱۳۷۶ ماده واحده‌ای به تصویب رساند که بر اساس آن، چنانچه مهریه وجه رایج باشد، طبق شاخص قیمت‌ها بازپرداخت شود. بنابراین، در صورت وجود تورم ناشی از انتشار بی‌رویه پول، باید کاهش ارزش پول مطابق نرخ تورم رسمی از سوی بانک مرکزی جبران شود (مصباحی، ۱۳۷۱، ص ۹۵؛ باطنی، ۱۳۷۷، ص ۴۵). مازاد پرداختی ازطریق شاخص‌بندی، مشمول تعریف ربا نیست؛ زیرا ربا مبلغ زیادتی است که از قبل تعیین شده است. حال آنکه مازادِ حاصل از شاخص‌بندی، رقمی متغیر است که متناسب با روند شاخص کالاها و خدمات مصرفی به هنگام استردادِ سپرده‌های دریافتی، ملاک عمل قرار می‌گیرد. پیشتر، مابه التفاوت سود پرداختی به سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری، با تصویب مجمع عمومی بانک‌ها، از محل منابع بانک‌های کشور قابل تأمین بود. اکنون، مابه‌التفاوت ارزش اسمی و واقعی سپرده‌های قرض‌الحسنه، به هنگام استرداد، متناسب با شاخص کالاها و خدمات مصرفی نیز از این محل قابل تأمین خواهد بود (هدایتی، ۱۳۷۵). البته در نهایت، دریافت‌کننده قرض، مسؤل جبران کاهش ارزش پولی که قرض گرفته است (عبدی، ۱۳۶۹، ص ۷۸). ایراد می شود که قرض‌گیرنده، در کاهش ارزش پول مقصر نیست و از ارکان مسئولیت مدنی، وجود رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان‌بار است و در قرض، آنچه موجب کاهش ارزش پول شده است، نه فعل قرض‌گیرنده، بلکه عوامل اقتصادی است که از تحت اختیار قرض‌گیرنده خارج بوده است (قلیچ، ۱۳۹۵). اما در اینجا مسئله، خسارت صِرف نیست، بلکه انتقال قدرت خرید از جیب قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده مطرح است. اکنون دارایی یک فرد در جیب دیگری است و به مال او اضافه شده، او اگر آن را بازگرداند، خسارتی متوجه او نمی‌شود.

برخی فقها در باب وفا به دین، قدرت خرید روز قرض را ملاک قرار می‌دهند، نه ارزش اسمی آن را؛ زیرا در این صورت مثلیّت تحقق نمی‌یابد. بنابراین، مسئله جبران کاهش قدرت خرید پول، ناشی از تورم، از قبیل جبران خسارت ناشی از استهلاک است که غیرقابل اجتناب است (ر.ک: حسینی بهشتی، ۱۳۶۳، ص ۶۳). نظر آیت‌الله *نوری همدانی* در باب دیون، جنایات و ضمانات، توجه به قدرت خرید است. آیت‌الله *مشکینی* در باره دیون پولی، در زمان

کاهش شدید قدرت خرید می‌فرمایند: باید قدرت خرید پول را با قیمت طلا یا مزد کارگر تعیین کنند. آیت‌الله *گرامی*، در زمان تورم شدید مصالحه را لازم می‌دانند. آیت‌الله *بهجت*، در صورت تنزل فاحش، حکم به لزوم جبران کاهش ارزش پول داده و در عین حال، مصالحه را لازم می شمارند. آیت‌الله *موسوی اردبیلی*، احتیاط را در مصالحه و جلب رضایت داین دانسته و در غیر این صورت، جبران قدرت خرید را لازم دانسته‌اند. از نظر آیت‌الله *صالحی مازندرانی*، در صورت کاهش فاحش ارزش پول، بدهکار با پرداخت مبلغ مورد قرارداد، تمام دین خود را ادا نکرده و مسئله اجحاف و ضرر مطرح می‌شود و باید مصالحه کنند. از نظر آیت‌الله *صافی گلپایگانی*، تمام اعتبار و مالیت اسکناس به قدرت خرید است و مقصود بالاصاله از آن، خرید و تملک اشیا است. بنابراین، نقصان مالیت آن، مانند نقصان کالا است. آیت‌الله *سبحانی*، برای جلوگیری از ضرر کاهش ارزش پول، می‌فرماید: هنگام قرض، ارزش پول بر حسب یک کالا معین شود و شرط گردد که این قدرت خرید، هنگام بازپرداخت رعایت گردد. چنین شرطی ربا نیست؛ زیرا شرط افزایش نیست. آیت‌الله *صانعی* نیز چنین نظری دارد (یوسفی، ۱۳۸۸).

لزوم جبران خسارت‌های سپرده‌گذاران پیشین

اگر ثابت شود که در صورت تورم شدید و کاهش قدرت خریدِ سپرده‌های قرض‌الحسنه، می‌باید این کاهش را جبران کرد، آیا این حق برای کسانی که در گذشته سپرده‌گذاری کرده‌اند، نیز ثابت است، یا این حکم تنها برای کسانی است که اکنون سپرده‌گذار محسوب می‌شوند و عطف به ما سبق نمی‌شود؟ اگر عطف به ماسبق می‌شود، جبران خسارات سپرده‌گذارانی که در طول دهه‌های گذشته، بخش عمده‌ای از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند چگونه است؟ از نظر اسلام، حق قدیم هرگز باطل نمی‌شود. شهید مطهری می‌نویسد:

> **یکی از خلفا قسمتی از اموال عمومی را به ملکیت خویشاوندان و نزدیکانش درآورد. وقتی حضرت امیر(ع) امور را به دست گرفت از او خواستند عطف به ما سبق نکند و کاری به گذشته ندا شته با شد و کوشش خود را معطوف به حوادثی سازد که از این به بعد در زمان خلافت خودش پیش می‌آید. حضرت(ع) پاسخ داد: هیچ چیز نمی‌تواند حق سابق را باطل سازد «الحق القدیم لایبطله شیء» و اگر با آن اموال برای خود همسر گرفته و یا کنیزکان خریده باشند، باز هم آن را به بیت‌المال بر می‌گردانم (مطهری، ۱۳۹۰، ج۱۶، ص ۴۳۸).**

طبق این فرمایش، حق صاحبان سپرده‌های قرض‌الحسنه، هرگز زائل نمی شود و نظام بانکی موظف است تمامی خسارات آنان را جبران کند. امام(ع) به مردم می‌فرمود: «مبادا عده‌ای از شما که در باتلاق دنیا فرو رفته‌اند و زمین‌ها را تصاحب کرده و نهرها شکافته و بر اسب‌ها تاخته و کنیزکان زیباروی و باریک‌اندام برگزیده‌اند، آنگاه که از تصرفاتشان جلوگیری و آنان را به پذیرش حقوق خود شان وادار کردم، فریاد برآوردند که پسر ابی‌طالب ما را از حقوقمان محروم نمود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵). این فرمایش نیز دلالت دارد که همه اموال به ناحق منتقل شده، باید به صاحبانشان بازگردانده شود. بنابراین می‌باید آنچه از طریق کاهش قدرت خرید سپرده‌های قرض‌الحسنه از جیب سپرده‌گذاران رفته باید بازگردانده شود، اما پیچیدگی و گستردگی فعالیت‌های بانکی، از جمله در رابطه با پرداخت‌های قرض‌الحسنه، آن‌قدر زیاد است که نظام قانونی و قانونگذاری کشور، مهارت و ابزار لازم برای جبران خسارت‌های پدیدآمده را ندارد.

دیگر انحرافات نظام قرض‌الحسنه

سپرده‌های قرض‌الحسنه، که می‌تواند یکی از بازوهای مهم نظام بانکی و اقتصاد باشد، با انحرافات دیگری همراه شد که ناشی از واکنش مدیران برای حفظ بانک‌های خود، در شرایط دشوار اقتصاد بود. نتیجه آن، کاهش تدریجی سهم این سپرده‌ها از کل سپرده‌ها، از ۲۵٪ در سال۶۳ به ۱۰٪ در اردیبهشت ۸۳ و ۵/۵٪ در شهریور ۹۳ بود (بانک مرکزی، برگزیده آمارهای اقتصادی). این نسبت، در سال ۶۳، ۲۵٪ بود.

– یک چالش نظام قرض‌الحسنه، کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه است که بیشتر از هزینه ارائه خدمات بانکی است و به صورت درصدی از وام (بین ۲/۵ تا ۴٪) در نظر گرفته می‌شود و تفاوتی با ربا ندارد.

– یکی دیگر از انحرافات، اشتراط مسدودکردن سپرده است. برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه و برخی بانک‌ها، شرط اعطای وام قرض‌الحسنه را افتتاح حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه و ذخیره‌سازی مبلغی به عنوان حداقل در آن حساب می‌دانند. برخی، موجودی سپرده را تا تسویه حساب کامل وام مسدود می‌کنند. در حالی که اشتراط هر نوع زیاده در قرارداد قرض، ربا محسوب می‌شود و هیچ یک از سپرده‌گذاران چنین هدفی را دنبال نمی‌کنند.

– انحراف دیگر، اعطای تسهیلات غیر قرض‌الحسنه است: برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه، از طریق عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و ... اعطای تسهیلات کرده، سودهای ۲۲ درصدی و بیشتر دریافت می‌کنند. برخی نیز با استفاده از منابع مذکور، اقدام به خرید و ساخت‌و ساز می‌کنند، یا مبالغ بزرگی در اختیار افراد معدودی قرار می‌دهند.

چالش دیگر نظام قرض‌الحسنه، قرعه‌کشی است. برخی فقها، عقد قرض به شرط همراه‌شدن قرض‌الحسنه با شرکت در قرعه‌کشی و دریافت امتیاز، متناسب با مبلغ و مدت سپرده قرض را شبیه بخت‌آزمایی می‌دانند. جوایز میلیاردی، موجب استحاله فرهنگ قرآنی قرض‌الحسنه و جابجایی سپرده‌ها، بین بانک‌ها برای شرکت در قرعه‌کشی شده است (موسویان، ۱۳۸۰، ص ۵۳). در پایان مهلت سپرده‌پذیری برای هر قرعه‌کشی، حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه افزایش می‌یابد و بی‌درنگ پس از پایان قرعه‌کشی، سپرده‌گذاران منابع خود را به بانک دیگر انتقال می‌دهند. در نتیجه، ثبات این سپرده‌ها، به شدت کاهش یافته و برنامه‌ریزی برای استفاده از آنها مشکل شده است (عرب‌مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵).

چالش دیگر، خلق پول توسط برخی صندوق‌ها است. در حالی که مطابق ماده ۱۸ مقررات تاسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی، افتتاح حساب دیداری و حساب‌های دیگری، که وجوه آن با چک و یا وسائل مشابه قابل نقل‌وانتقال می‌باشد، توسط مؤسسات اعتباری ممنوع است. از جهت تئوریک، مؤسسه‌ای که از حفظ ذخیره قانونی معاف باشد، می‌تواند تا بی‌نهایت اقدام به خلق پول کند. تخلف دیگر، عدم رعایت سقف تسهیلات است. وجود ذخایر قانونی و احتیاطی بانک‌ها، ابزار مهمی برای کنترل بانک‌ها در رعایت سقف تسهیلات اعطایی است، اما در صندوق‌های قرض‌الحسنه، به دلیل نبود ذخیره قانونی و نبود قانونی برای کنترل ذخایر احتیاطی و هم فقدان نهادی برای کنترل سقف اعتبارات، صندوق‌ها در یک رقابت شکننده برای جذب مشتریان بیشتر، پیوسته سقف وام اعطایی خود را بالا می‌برند. این وضعیت، احتمال ورشکستگی صندوق‌های مذکور را بالا می‌برد و حقوق سپرده‌گذاران را به مخاطره می‌اندازد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نهاد قرض‌الحسنه پس‌انداز، از اهداف خود منحرف و این امر، موجب کاهش نسبت این سپرده به دیگر سپرده‌ها شده است. از علل این انحراف وجود تورم شدید، کاهش قدرت خرید سپرده‌های قرض‌الحسنه و وجود رانت در استفاده از این سپرده‌ها بوده است. قرض‌الحسنه، از اموری است که نظام اقتصاد را سالم و نیازهای ضروری را برآورده می‌سازد و محبت و وحدت و برکت می‌آورد. روند کنونی، نشان می‌دهد که ممکن است روزی کسی پیدا نشود که سازوکار فعلی پولش را قرض‌الحسنه بدهد؛ یعنی در جایی سرمایه‌گذاری کند که سودی عایدش نشود. اگرچه که ریسکی متوجه او نباشد. اما این بدان معنا نیست که دیگر کسی یافت نشود که با سازوکارهای دیگر، پولش را قرض‌الحسنه بدهد. بنابراین، باید تلاش کرد برخی سازوکارها را معرفی کرد تا از طریق آنها، کمبود سپرده قرض‌الحسنه برطرف گردد. در مواجهه با قرض‌الحسنه، افراد چند دسته‌اند: افرادی که مالشان را قرض‌الحسنه نمی‌دهند. افرادی که تمامی سرمایه خود را قرض‌الحسنه می‌دهند. افرادی که آمادگی دارند که بخشی از سرمایهٔ خود را قرض‌الحسنه دهند. افرادی که در صورت جبران کاهش قدرت خرید سپرده‌ها، حاضرند قرض‌الحسنه بدهند. افرادی که حاضرند بخشی از سود سرمایه خود را قرض‌الحسنه دهند. افرادی که در صورت تخصیص منابع قرض‌الحسنه به مصارف دارای اولویت، حاضرند قرض‌الحسنه بپردازند. افرادی که حاضرند، در صورت تشویق و کسب افتخار محلی یا ملی، قرض‌الحسنه بپردازند. با توجه به افزایش نیاز به قرض‌الحسنه و کاهش عرضه آن، می‌توان از ابزارهای دیگری مانند اوراق صکوک قرض‌الحسنه و اوراق صکوک وقف، با رویکرد قرض‌الحسنه و اوراق هدایا و وصایا با رویکرد قرض‌الحسنه و سایر اوراق صکوک از این نوع استفاده کرد تا کمبود سپرده‌های قرض‌الحسنه را تا حدی برآورده ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

نهج‌البلاغه، ۱۳۸۴، ترجمهٔ محمد دشتی، مشهد، آستان قدس رضوی.

ابراهیمی، محمدحسین، ۱۳۷۵، ***قرض‌الحسنه***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی

اثنی عشری، ابوالقاسم و محمدرضا بابایی سمیرمی، ۱۳۸۸، «برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران»، ***پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی***، ش۵۱، ص ۹۳-۱۰۴.

اثنی عشری، ابوالقاسم و همکاران، ۱۳۸۷، «ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها»، ***نامه مفید***، ش۶۹، ص ۶۹-۹۲.

اسلامی، زهرا، ۱۳۷۵، ***بررسی عملکرد سیستم بانکی و صندوق‌های قرض‌الحسنه در خصوص سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه ۱۳۶۸-۱۳۷۳***، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مؤسسهٔ عالی بانکداری.

اسماعیلی، محسن و امید توکلی‌کیا، ۱۳۹۰، «شرط ارتکازی در فقه امامیه و حقوق ایران»، ***پژوهش‌نامه حقوق اسلامی***، ش۲، ص ۱۵۱-۱۹۰.

باطنی، محمد، ۱۳۷۷، ***بررسی حقوقی تاثیر تورم در بازپرداخت دیون***، تهران، ساجد.

بانک مرکزی، برگزیده آمارهای اقتصادی بخش بانکی و پولی بانک مرکزی در سال‌های۶۳، ۸۲ و ۹۳.

بیدار، محمد، ۱۳۹۱، «کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه»، ***معرفت اقتصاد اسلامی***، ش۷، ص ۹۷-۱۱۴

توحیدی‌نیا، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، «جذب سپرده قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی (صکوک)»، ***تحقیقات مالی اسلامی***، ش۲، ص ۱۴۳-۱۶۰.

توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و وحید فولادگر، ۱۳۹۶، «آسیب‌شناسی سپردههای قرض‌الحسنه در نظام بانکداری»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۷۰، ص ۱۵۵-۱۸۴.

جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی، ۱۳۷۸، ***درآمدی بر عرف***، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه

حبیبیان نقیبی، مجید، ۱۳۸۱، «قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، ***نامه مفید***، ش۳۱، ص ۱۲۳-۱۵۰.

حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ق، ***وسائل الشیعه***، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت(ع).

حسن‌زاده، علی و مهین‌دخت کاظمی، ۱۳۸۳، «صندوق‌های قرض‌الحسنه: ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۱۶، ص ۵۷-۷۵.

حسینی بهشتی، سیدمحمد، ۱۳۶۳، ***اقتصاد اسلامی***، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حشمتی مولایی، حسین، ۱۳۸۸، «تاثیر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه بر توسعه مالی»، ***پژوهشنامه اقتصادی***، ش۶، ص۱۰۹-۱۳۸.

سهیلی، کیومرث و همکاران، ۱۳۸۸، «مقایسه کارایی عقد قرض‌الحسنه و عقود مشارکتی، مطالعه موردی بانک ملت استان کرمانشاه»، ***مطالعات اقتصاد اسلامی***، ش۲، ص ۷۱-۹۴.

شعبانی، احمد، ۱۳۶۹، ***سیستم‌های پولی، تحلیلی (تطبیقی، فقهی)***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).

عاملی (شهید اول)، محمدبن‌مکی، بی‌تا، ***القواعد و الفوائد***، قم، مکتبة المفید.

صدر، سیدکاظم، ۱۳۸۴، «محاسبه هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۱۹، ص ۱۳-۴۴.

طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، ***ترجمهٔ المیزان***، ترجمهٔ محمدباقر موسوی، قم، دفتر نشر اسلامی.

طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۷، ***تفسیر جوامع الجامع***، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طیبی، کمیل، ۱۳۸۳، «بررسی تحولات صندوق‌های قرض‌الحسنه استان اصفهان»، در: ***مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی***، مؤسسهٔ عالی بانکداری.

عابدیان، میرحسین، ۱۳۸۱، «عوامل مؤثر در تغییر حکم»، ***متین***، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۱۰۵-۱۳۸.
عباسی حسین‌آبادی، حسن و محمدجواد ولی‌زاده ،۱۳۸۷، «تاثیر عملکرد عرف در حکم فقهی نظریه جبران کاهش ارزش پول»، ***حقوق خصوصی***، ش۲۸، ص ۲۹۸-۳۱۹.
عبدی ساوجیان، بیژن، ۱۳۶۹، ***بررسی سیستم بانکداری اسلامی و نقش پول در آن با توجه به ماهیت پول***، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
عرب‌مازار، عباس و سعید کیقبادی، ۱۳۸۵، «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۲۲، ص ۱۳-۴۶.
عزتی، مرتضی و لطف‌الله عاقلی، ۱۳۸۷، «سرمایه مذهبی: ماهیت، عناصر تشکیل و آثار آن»، در: ***اولین همایش اقتصاد اسلامی***، دانشگاه فردوسی مشهد.
عزتی، مرتضی، ۱۳۹۳، «ارزیابی اثر بازارهای مالی بر بازار قرض‌الحسنه در ایران»، ***جستارهای اقتصادی ایران***، ش۲۲، ص ۱۵۵-۱۸۵.
علوی‌منش، سیدمحسن، ۱۳۹۱، ***بررسی قرض‌الحسنه در ایران (با تأکید بر وام رفع احتیاجات ضروری کارکنان بانک‌ها)***، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
فراهانی، سعید و همکاران، ۱۳۹۴، «تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران»، ***مدل سازی اقتصادی***، ش۳۱، ص۲۱-۴۱
فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، ***تفسیر صافی***، تهران، صدر.
قلیچ، وهاب، ۱۳۹۵، «مسئولیت جبران کاهش ارزش پول بر عهده کیست؟»، ***تازه‌های اقتصاد***، ش۱۵۰، ص ۱۱۶-۱۱۸.
کمیجانی، اکبر و ناهید پوررستمی ،۱۳۸۷، «تأثیر سرکوب مالی بر رشد اقتصادی»، ***پژوهش‌های اقتصادی ایران***، ش۳۷، ص ۳۹-۵۹.
محقق‌نیا، محمدجواد، ۱۳۸۸، بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، ***معرفت اقتصادی***، ش۱، ص۱۴۱-۱۶۲.
محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۸، ***نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی***، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
مرادخانی، احمد و امیر شمس، ۱۳۹۱، «بررسی قاعده فقهی (العقود تابعهٔ للقصود)»، ***مطالعات فقهی و فلسفی***، ش۹، ص ۳۳-۵۸.
مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶، ***آسیب‌شناسی نظام بانکی، ۱. ساماندهی تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی***، تهران، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
مصباحی، غلامرضا، ۱۳۷۱، «پاره‌ای مشکلات بانکداری بدون ربا»، در: ***سومین سمینار بانکداری اسلامی***.
مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، ***مسئله ربا***، تهران، صدرا
ـــــ ، ۱۳۹۰، ***مجموعه آثار***، تهران، صدرا.
مقدم، وحید و دیگران، ۱۳۹۶، «الگوی بازار قرض‌الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۶۵، ص ۳۳-۶۱.
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
ـــــ ، ۱۳۷۶ (الف)، ***ربا و بانکداری اسلامی***، قم، مدرسه الامام علی‌ابن‌ابیطالب(ع).
ـــــ ، ۱۳۷۶ (ب)، ***مجموعه استفتائات جدید***، قم، مدرسه الامام علی‌ابن‌ابیطالب(ع).
موسایی، میثم، ۱۳۷۷، ***تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی***، تهران، مؤسسهٔ تحقیقات پولی وبانکی.
موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۷۲، «پاسخ به مسائل مربوط به پول و تورم»، ***رهنمون***، ش۶، ص ۱۰۸-۱۱۶.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰، ***بانکداری اسلامی***، تهران، پژوهشگاه پولی و بانکی.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، ***تحریر الوسیله***، قم، دارالعلم.
ـــــ ، ۱۳۸۵، ***الرسائل***، تهران، اسماعیلیان.
مهاجری، مهدی، ۱۳۹۰، «تاثیرات اخلاقی انفاق در قرآن کریم و حدیث»، در: ***مجموعه مقالات پنجمین همایش امام‌خمینی***، کمیته امداد امام‌خمینی.
هدایتی، سیدعلی‌اصغر، ۱۳۷۵، «بررسی جبران زیان‌های وارده به افراد، سپرده‌ها و منابع بانک بر اثر کاهش قدرت خرید پول»، ***اطلاعات سیاسی اقتصادی***، ش۱۱۳ و ۱۱۴، ص ۱۳۰-۱۴۱.
یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۳، «راه‌های جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۱۳، ص ۱۳۵-۱۵۳.
ـــــ ، ۱۳۸۸، «بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول»، ***فقه اهل بیت فارسی***، ش۳۱، ص ۵۹-۱۳۷.
Finch, David, 1956, "Purchasing Power Guarantees for Deferred Payments", ***IMF Staff papers***, Vol. V, No. I, P 1-22.
Mannan, Mohammad A, 1970, "Consumption Loan in Islam", ***The Islamic Review and Arab Affairs***, Vol. 58, P 19-22.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی